

نگاه موشک‌ها به قطر

مردی، مشاور سابق تیم مذاکره کننده هسته‌ای: به تاسیسات ایران حمله شود، تاسیسات گازی قطر را با خاک یکسان می‌کنیم

عصر
روزنامه تجاری اقتصادی
یکشنبه
۲۵ آذر ۱۴۰۳ • ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۴۶ • 15 December 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره چهارصد و هشتاد و هفت
www.asrghanoon.ir



برنامه مشترک پیشرفت، نیاز امروز جبهه مقاومت



اگر محور مقاومت به صورت هماهنگ برنامه جامع و هم‌افزای پیشرفت داشته باشند، سرریز این اقدامات مشترک، داخل ایران را هم منتفع خواهد کرد و باعث تقویت مضاعف پیشرفت و رشد ملی ما هم خواهد گردید.

۲

جایی که ولایت در خطر است باید جان را فدا کرد



می‌دانست آن‌هایی که بر قدرت سوارند، از این سواری دست بر نخواهند داشت. برای اینکه این راه حمایت از ولایت و خط ولایت کور نشود، آیندگان باید بدانند که صراط مستقیم، صراط علی است. آیندگان باید بدانند که از این صراط باید حرکت کنند. این صراط، صراط حق است.

۳

این فناوری پایان تاریخ نیست



با وجودی که اکنون با بهرمندی از هوش مصنوعی در جریان غزه و لبنان و حزب‌الله خسارات فراوانی وارد شد، اما باز هم این مساله مطرح است که با هوش مصنوعی شاید استخلاف که سنتی الهی است را بتوان جلوگیری یا به تأخیر انداخت.

۴

فهم مقاومت در آیینۀ نزاع دو تاریخ



ما از وضع امتناع، عبور کرده‌ایم و دوره امکان‌ها و گشودگی‌ها فرارسیده است. هر آنچه که به عنوان قطعه‌های تاریخی معارض و متضاد، جلوه‌گر می‌شوند، تلاش‌هایی هستند برای ممانعت از تحقق پیچ تاریخی.

۴

عدم اعتراض به مبارز رژیم صهیونیستی



عدم ترمیم گسل‌هایی که در برخی لایه‌های محور مقاومت وجود داشت، باعث سوء استفاده دشمن شد و در نهایت سوریه به عنوان بخشی از محور مقاومت از این فضا جدا شد.

۴

ضعف لایحه برنامه هفتم در حوزه فرهنگ



بعد از انقلاب سندی نداشتیم که به عنوان نقشه راه حوزه فرهنگ مورد استفاده قرار گیرد و شورا باید با تنظیم نقشه مهندسی فرهنگی کشور، دو مقوله یعنی تخصص‌گرایی و هدایتگری بخش فرهنگ را به صورت رسمی و مدون، چارچوب‌سازی می‌کرد.

۷

سیدمحمد مردی با انتشار یک تویت تهدیدآمیز نوشت: به تاسیسات ایران حمله شود، تاسیسات گازی قطر را با خاک یکسان می‌کنیم. مشاور سابق تیم مذاکره کننده هسته‌ای در صفحه مجازی خود به زبان انگلیسی نوشت: مشکل کوچکی وجود دارد: پایگاه هوایی العدید آمریکا در قطر کوچک واقع شده است. در صورت بروز تهاجم، تاسیسات و زیرساخت‌های گاز طبیعی در قطر کاملاً نابود خواهند شد. بنابراین، دیگر گاز طبیعی‌ای از دوحه نخواهد بود. در نتیجه، دیگر قطری هم وجود نخواهد داشت. اما ماجرا به همین جا ختم نخواهد شد.



جایی که ولایت در خطر است باید جان را فدا کرد

سیداحمدخاتمی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره لزوم سرمشق گرفتن از حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) می‌فرمایند: «در زندگی فاطمه زهرا باید دقیق شد، با نگاهی نو آن زندگی را شناخت، فهمید و به معنای واقعی کلمه آن را الگو قرار داد.»

■ **الگوی فاطمی چه درس‌هایی برای امروز و مسئله جبهه‌ی مقاومت دارد؟**

الگوی فاطمی آن‌قدر محتوا دارد که توان بیان تمام ابعادش نیست، به تعبیر قرآن، او کوثر است؛ کوثر یعنی خیر فراوان. نباید خیر فراوان فاطمه را محدود به کثرت اولاد او دانست، گرچه این هم هست. حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) درس‌های فراوانی در هجده بهار عمر مبارکش به بشریت آموخت. درس خداباوری، خستگی‌ناپذیری در دفاع از دین، فدا شدن در راه دین و مقاومت در این مسیر. عزیزانی که اهل فقه هستند می‌دانند که در امر به معروف و نهی از منکر، «امن از ضرر» از شرایط است. اما فاطمه (سلام‌الله‌علیها) آموخت آنجا که ولایت در خطر است، این شرط دیگر مطرح نیست، باید جان را فدا کرد تا خط گم نشود، تا مسیر گم نشود. فاطمه (سلام‌الله‌علیها) دو چیز را یقیناً می‌دانست:

۱. می‌دانست که تحکاتش در کوتاه‌مدت تأثیر ندارد.
۲. می‌دانست آن‌هایی که بر قدرت سوارند، از این سواری دست بر نخواهند داشت. برای اینکه این راه حمایت از ولایت و خط ولایت کور نشود، آیندگان باید بدانند که صراط مستقیم، صراط علی است. آیندگان باید بدانند که از این صراط باید حرکت کنند. این صراط، صراط حق است. همین‌جا می‌خواهم این واقعیت را بگویم، الگوی مقاومت در عصر ما، مقام معظم رهبری آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای است. این بزرگ از آن گاه که از سال ۱۳۴۲ وارد مبارزه شدند، تا امروز یک ذره از این خط عدول نکرده‌اند. با امام و خط امام بوده‌اند و تاکنون نیز ادامه دارد. به این می‌گویند مقاومت جانانه و اقتدا به سیره‌ی فاطمی.

■ **یکی از مسائل امروز ما کمک به جبهه‌ی مقاومت به عنوان واجب شرعی است. مردم کشور ما هم به تاسی از الگوی فاطمی که اطعام فقیر و مسکین بود، نهضتی به پا کردند. تحلیل حضرت تعالی از این بخش سیره‌ی فاطمی چیست؟**

این بالاترین و برجسته‌ترین الگوگیری از سیره‌ی فاطمی بود،



برنامه مشترک پیشرفت، نیاز امروز جبهه مقاومت

عزیزنجف پورآقابیلگو

جریان مقاومت اگر برنامه پیشرفت مقاومتی نداشته باشد ضربه خواهد دید. سوریه نمونه بارز این ادعاست.

وقتی که جریان سلطه جنگ ترکیبی همه جانبه راه انداخته و هدف اصلی‌اش هم جلوگیری از "پیشرفت محور مقاومت با حفظ اصول مقاومت" می‌باشد، مقابله هم باید همه جانبه باشد.

سقوط اسد را از ابعاد مختلف نظامی، امنیتی و رسانه‌ای می‌توان مورد واکاوی قرار داد ولی به نظر می‌رسد عامل اصلی این رخداد به ظاهر غیرمنتظره، (که با بررسی شرایط چندسال گذشته سوریه چندان هم غیرمنتظره به نظر نمی‌رسیده) را باید در فشارهای اقتصادی و عدم اهتمام کافی برای بازسازی و رشد و پیشرفت کشور در تناسب با هم نیاز مردم سوریه و هم در قیاس با وضعیت پیشرفت و آبادانی کشورهای منطقه توصیف کرد.

نظام اسد در طی یک دهه گذشته نتوانست برنامه پیشرفت کشور خود را بر اساس پارادایم مقاومت سامان دهد. بدین صورت که در عین پیشرفت اصول و چارچوب مقاومت را هم حفظ نماید و در این سال‌های آخر هم با درک فشار فزاینده اقتصادی و اجتماعی به مردمش، سعی کرد از کشورهایی چون امارات و ... استمداد، و احتمال الگو بگوید غافل از اینکه این چرخشی مرگبار بود و پیش از آنکه منفعتی به مسافران کشتی طوفان زده سوریه برساند، به غرق شدن آن خواهد انجامید.

عقب ماندگی سطح زندگی استان‌های سوریه در قیاس با استان ادلب که تحت تصرف شورشیان تحت حمایت اقتصادی ترکیه (بخوانید غرب و صهیونیسم) بود، به روشنی قابل مشاهده است. حتما هم توجه داریم که حتما همه مردم علقه‌های دینی و ملی یکسانی ندارند و کمتر مردمی چون مردم ایران می‌توانند سالها در مقابل انواع فشارها از جمله فشارهای اقتصادی مقاومت کنند. هرچند در همین جامعه ایران هم فشارهای اقتصادی، بخشی از مردم را که در حالت عادی مشکلی با انقلاب و نظام ندارند را دچار تردید می‌نماید.

علی ای حال به نظر نمی‌رسد جمهوری اسلامی در ابعاد نظامی و امنیتی برای سوریه کم گذاشته باشد ولی حتما که ما سهم قابل توجهی در این بی برنامه‌گی برای پیشرفت مقاومتی، داریم چرا که به عنوان مغز و رهبر جبهه مقاومت نتوانسته‌ایم عناصر جبهه را در مسیر رشد و پیشرفت در پارادایم مقاومت به صورت هماهنگ و هم افزا راهبری کنیم.

واقعیت مهم دیگر این است که اگر محور مقاومت به صورت هماهنگ برنامه جامع و هم‌افزای پیشرفت داشته باشند، سرریز این اقدامات مشترک، داخل ایران را هم منتفع خواهد کرد و باعث تقویت مضاعف پیشرفت و رشد ملی ما هم خواهد گردید.

فارغ از اینکه هزینه‌کردهای ما در محور مقاومت از منظر نظامی و امنیتی توجیه کامل دارد ولی با اتخاذ رویکرد توأمان هم نظامی-امنیتی و هم اقتصادی، طبعاً شاهد ثمرات مضاعف پیشرفت همه جانبه در سطح ملی و در سطح جبهه مقاومت خواهیم بود.

فرصت‌ها به سرعت می‌گذرند و تهدیدها و توطئه‌ها به شدت روی می‌آورند ... تدبیری مضاعف می‌باید.



شما، دلیل این همه تأکید چیست؟

دلیل این تأکید آن است که حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنا فداء می‌فرماید فاطمه الگوی من است. تأکید رهبر انقلاب اسلامی در پی تأکید حضرت بقیةالله الاعظم است که باید زندگی دختر پیغمبر از آغاز تا پایانش را به عنوان الگو برگزید. این پیروی کردن، زندگی را مبارک می‌گرداند. یعنی زندگی را به گونه‌ای خواهد ساخت که این زندگی عطر الهی داشته باشد؛ «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً». همین‌جا تأکید می‌کنم که در بین عالمان دین ما، از چهره‌های برجسته‌ی تحلیلگران سیره‌ی معصومین، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای کارهای خاصی انجام داده‌اند. ایشان از قبل از انقلاب، عنایت خاصی به سیره اهل بیت داشتند. بعد از انقلاب نیز کتاب‌های ایشان در باب سیره‌ی اهل بیت قطعاً منبع است و کاوشگران را تشویق می‌کنم از این منبع سودمند بهره ببرند.

■ **از منظر سیره‌ی فاطمی، مسئله جهاد تبیین چه اهمیتی دارد؟**
جهاد تبیین از ابعاد جهاد است. جهاد یعنی تلاش در راه خدا. یک بعد جهاد، جهاد نظامی است و یک بعد جهاد، جهاد تبیین است. «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ». حضرت زهرا نه تنها با خطبه‌ی فدکیه، بلکه با سایر خطبه‌هایش نیز جهاد تبیین را در اوج خودش داشت. جهاد تبیینی که دخترش، شیرزین قهرمان کرپلا، از او آموخت. جهاد که راز ماندگاری عاشورا جهاد تبیین است. ریشه‌ی این جهاد تبیین سیره‌ی فاطمی است و ریشه‌ی این جهاد تبیین خطبه‌ی فدکیه‌ی حضرت زهراست.

به وقت عبرت‌شام

روانی دشمن در قضایای اخیر که با واکنش رهبر انقلاب نیز مواجه شد، اشاره می‌شود.

■ **تکرار شبهه‌های قدیمی**

با سقوط دولت سوریه، برخی شروع به شماتت و بیهوده دانستن حضور ایران در این کشور در سال‌های گذشته کردند و آن را زیر سؤال بردند. هرچند نباید اهداف همه‌ی این افراد را یکی دانست، اما بدون شک اصلی‌ترین خط مربوط به دشمنان جمهوری اسلامی است که اساساً قدرت منطقه‌ای ایران را برنرفته و مانع منفعت‌طلبی‌های خود می‌دانند و می‌بینند. این‌ها همان کسانی هستند که از سال‌ها پیش، هر گونه سیاست‌ورزی و کنشگری ایران در منطقه را زیر سؤال برده و با انواع و اقسام ترفندها و عملیات روانی و شبهه‌پراکنی به آن حمله می‌کردند.

■ **تروزیست‌های بدون مرز**

رهبر انقلاب، در این سخنرانی، بخشی از منطق حضور نظامی ایران در سوریه را تبیین کردند و به مقابله با این موج جدید و البته تکراری پرداختند. در واقع، باید گفت ایشان با تبیین این موضوع، به جریان حزب‌اللهی و مردم گوشزد کردند که در برابر عملیات روانی جدید دشمن نباید دچار تردید و تزلزل شده و منطق محکم و قوی حضور در سوریه را از یاد ببرند. ایران وقتی با درخواست رسمی دولت سوریه وارد این کشور شد که بخش عمده‌ای از خاک این کشور و همین‌طور عراق، مورد تاخت‌وتاز یک گروه تروریستی وحشی به نام «داعش» بود؛ گروهی که از ده‌ها کشور عضو داشت و عملاً متعلق به هیچ کشور و سرزمینی نبود و خود را محدود به هیچ مرزی نیز نمی‌دانست؛ همچنین، به مرزهای ایران نزدیک شده بود و اگر تدبیر جمهوری اسلامی ایران نبود، هیچ دلیلی نداشت که پشت مرزهای ما متوقف شود. در واقع، باید گفت که «داعش» پشت مرزهای ایران خودخواسته متوقف نشد، بلکه با ایستادگی و با جان‌فشانی از پیشروی آن ممانعت شد.

از سویی دیگر، این گروه در دشمنی با مقدسات نیز اوج خباثت را از خود نشان داده بود؛ با تمسک بر تفکری تکفیری، افراد را به جرم همسو نبودن با این تفکر، کشتار می‌کرد و به بردگی می‌گرفت؛ اماکن مقدسه نیز از شر آن در امان نبود و شریف‌ترین حرم‌ها در عراق و سوریه، از سوی این گروه خطرناک تهدید می‌شدند. هوشمندی، عدم انفعال و حضور بموقع ایران در میدان، هر دو تهدید فوق را خنثی کرد.

دشمن و اعوان‌انصارش سعی دارند این مسلمات را از آذهان دور کرده و حضور مستشاری ایران در میدان عراق و سوریه



را سیاستی ضدّ ثبات منطقه و توسعه‌طلبانه و ماجراجویانه با هزینه‌های هنگفت و سنگین جلوه دهند. بخشی از بیانات تبیینی رهبر انقلاب، مقابله با این موج بود.

■ **درس‌ها و عبرت‌ها**

یکی از مهم‌ترین بخش‌های بیانات رهبر انقلاب درس‌ها و عبرت‌های ماجرای سوریه است. دشمن همیشه مشغول دسیسه و توطئه است، اما این دسیسه‌ها وقتی به نتیجه می‌رسند که با اشتباهات جبهه‌ی خودی ترکیب شوند؛ اشتباهاتی همچون غفلت، انفعال، غرور، نشان دادن ضعف، اعتماد به تبسم دشمن، حقیر شمردن آن و امثال این‌ها. ترساندن مردم و به اصطلاح خالی کردن توی دل آن‌ها، یکی از اشتباهاتی است که عده‌ای در داخل مرتکب آن می‌شوند. البته که سرخ این خط در دست خود دشمن است. در نظامی که متکی به قدرت و حضور مردم در صحنه است، ترساندن و مایوس کردن مردم شلیک مستقیم به قدرت کشور است و زمینه را برای تحقق انواع و اقسام توطئه‌ها و دسیسه‌ها فراهم می‌سازد. از همین منظر بود که رهبر انقلاب این‌گونه عملکردها را جرم دانسته و خواستار پیگیری آن شدند.

■ **صحنه‌ی نبرد اصلی**

و بالاخره نکته‌ی مهم و پایانی آنکه همان‌طور که رهبر انقلاب تأکید کردند، مقاومت یک تفکر و اعتقاد و ایمان است. تفکر، ایمان و اعتقاد، با بمب و گلوله نهنها از بین نمی‌رود و نابود نمی‌شود، بلکه قوی‌تر و مستحکم‌تر نیز خواهد شد. آنچه می‌تواند مقاومت را تهدید و تضعیف کند، ایجاد تزلزل، یأس، غفلت و هر آن چیزی است که در این ایمان و اعتقاد قلبی، رخنه ایجاد کند. صحنه‌ی نبرد اصلی، پیش و بیش از آنکه در زمین و آسمان و دریا باشد، در ذهن‌ها و قلب‌ها است. اگر در این میدان، قوی و مستحکم باشیم، روی زمین نیز با همه‌ی فرازوفرودهایش پیروز خواهیم بود؛ باذن‌الله. (خط حزب‌الله)

هوش مصنوعی مانع سنت‌های الهی نمی‌شود این فناوری پایان تاریخ نیست



این سنت‌ها را بگیرد، با وجودی که اکنون با بهره‌مندی از هوش مصنوعی در جریان غزه و لبنان و حزب‌الله خسارات فراوانی وارد شد، اما باز هم این مساله مطرح است که با هوش مصنوعی شاید استخلاف که سنتی الهی است را بتوان جلو انداخت یا به تأخیر انداخت اما به هیچ روی نمی‌توان جلو آن را گرفت؛ بنابراین هر یک از این سناریوها جز سناریوی غیر قابل پیش بینی، در تضاد با سنت های الهی نیست. فقط آن دسته از سناریوها در تعارض با سنت های الهی است که بدترین حالت ممکن را مطرح می‌کند.

حجت الاسلام ترخان تصریح کرد: پیشنهاد ما این است که سناریوی تکاملی را مطرح کنیم؛ مساله مهم فلسفه تاریخ این است که آیا حرکت جهان به سمت تکامل هست یا نیست؟ اگر پاسخ را بدهید زمینه آماده می‌شود تا دیدگاه جدیدی را بر اساس سنت‌های الهی مطرح کنیم؛ براساس مبانی جهان‌شناختی و انسان‌شناختی، معتقدم که حرکت جهان، حرکت تکاملی است؛ البته ممکن است در ادوار مختلف جوامع دچار افت و خیزهایی شوند اما آن حرکت واحدی که خداوند طراحی کرده منجر به این می‌شود که ما به استخلاف صالحان برسیم.

عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی افزود: ما انسان را فطرت‌مند می‌دانیم، جهان قانون دارد و به سمت نقطه مطلوب می‌رود که همان استخلاف صالحان است، تا این حرکت تکاملی نباشد حادثه‌ای اتفاق نمی‌افتد، جوامع باید نزدیک شوند تا نقطه مطلوب اتفاق بیفتد. اگر چنین شود نتیجه‌ای که می‌گیریم آن است که با هوش مصنوعی هم باید سناریوی تکاملی را مطرح کنیم؛ باید تلاش کنیم تا نقطه مطلوب اتفاق بیفتد.

ادامه دارد

از سناریوها نیز بدترین حالت را متصور می‌شوند یعنی آینده هوش مصنوعی به جایی می‌رسد که طی آن بشر را نابود کند که از جمله سناریوهایی که در این حالت هستند می‌توان به سناریو غیرقابل پیش‌بینی و ناشناخته، سناریو واگرایی، سناریو نگران‌کننده اشاره کرد؛ البته در این میان برخی از سناریوها هم بر این نظریه استوار هستند که نگاه، نگاه اعتدالی است که از جمله مواردی که ذیل این دیدگاه مطرح می‌شوند می‌توان به سناریو محتاطانه اشاره داشت؛ آخرین حالت نیز حالت خارج از چارچوب است در واقع حالت جامعی است که به مزایا و آسیب‌های هوش مصنوعی به شکل توامان توجه دارد.

سناریوهایی درباره هوش مصنوعی

عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: بر اساس سنت‌های الهی، بسیاری از این سناریوها اصلاً قابل قبول نیستند مثل سناریوی نگران‌کننده که می‌گوید هوش مصنوعی بشریت را به جایی می‌رساند که حتی فراتر از انسان حرکت خواهد کرد و این سبب می‌شود که هوش مصنوعی خدا و فاتح و بشریت منقرض شود؛ همچنین سناریو واگرایی یا سناریوهای غیرقابل پیش‌بینی که می‌گویند هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست، ما بر اساس سنت‌های الهی این دسته از سناریوها را رد می‌کنیم آن هم به چند دلیل نخست آنکه: بر اساس چه سنتی می‌خواهید مساله را پیش ببرید؟ هوش مصنوعی ممکن است باعث آسیب بشریت شود.

حجت‌الاسلام ترخان افزود: این امکان وجود دارد که هوش مصنوعی به بشریت آسیب بزند اما هرگز نمی‌تواند کاری انجام دهد که ذیل آن اراده از انسان گرفته شود، همواره این اراده انسان وجود دارد، خداوند فرمود: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (و چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشودیم و لیکن (چون آیات و پیغمبران ما را) تکذیب کردند ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشتشان رسانیدیم).

هوش مصنوعی نمی‌تواند جلوی سنت‌های الهی را بگیرد

وی در ادامه گفت: از سوی دیگر از منظر سنت‌های الهی رقابت‌پذیر مثل سنت استخلاف و وراثت، حتی هوش مصنوعی نمی‌تواند جلو

می‌کند.

وی افزود: یک دسته سنن دیگر هم داریم که مطلق و رقابت‌پذیر هستند، توجه به این سنت بسیار اهمیت دارد، سنت مطلق که رقابت‌پذیر است به این معناست که خداوند قانونی دارد و این قانون را چه بخواهیم و چه نخواهیم اجرا می‌کند اما اراده انسان در آن نقش دارد، اراده انسان یعنی اینکه ما می‌توانیم تحقق آن قانون را یا سرعت ببخشیم یا کاری کنیم که دیرتر محقق شود یعنی در کمیت و کیفیت می‌توانیم اثرگذار باشیم، مثل سنت استخلاف صالحان که جزو سنن تمدنی اجتماعی است؛ به این معنا که در نهایت زمین و حاکمیت‌اش از آن صالحان است؛ چه اسرائیل و آمریکا بخواهند و چه نخواهند بالاخره این امر محقق می‌شود. حجت‌الاسلام ترخان با بیان اینکه باید تلقی اجمالی از هوش مصنوعی ذیل این بحث داشته باشیم، تصریح کرد: در این رابطه تعاریف مختلفی ارائه شده است، برخی می‌گویند هوش مصنوعی باید منطقی فکر کند، منطقی عمل کند، انسانی فکر کند یا انسانی عمل کند، این چهار رویکرد مطرح می‌شود اما بالاخره بر اساس این رویکردهای چهارگانه نیز هشت دسته تعریف شده است که وارد جزئیات نمی‌شوم اما در کل تعریف هوش مصنوعی را فناوری و دانش نوین جهت ساخت ماشین‌های هوشمند عنوان می‌کنند که توانایی استدلال و منطق و تصمیم‌گیری را دارد.

وی افزود: البته اینجا مهم آن تقسیم‌بندی است که از هوش مصنوعی ارائه شده است به این معنا که هوش مصنوعی به خودآگاهی برسد. پرسش این است که آیا می‌توانیم به این مرحله یعنی بحث تکینگی در مورد هوش مصنوعی برسیم؟ برخی می‌گویند امکان‌پذیر نبوده و در آینده نزدیک به آن می‌رسیم، البته اخیراً دیدیم که گویا مدیر مایکروسافت اعلام کرده بود که به زودی به هوش مصنوعی قوی که ابرهوش است و از انسان هم پیشی می‌گیرد می‌رسیم که از ویژگی‌های این هوش مصنوعی آن است که به خودآگاهی هم دست پیدا می‌کند؛ حال به فرض اینکه چنین چیزی اتفاق بیفتد و به مرحله تکینگی برسیم، برخی می‌گویند که وقوع این اتفاق اجتناب‌ناپذیر است؛ اما بزرگ‌ترین چالشی که ذیل این اتفاق ایجاد می‌شود در قالب این پرسش متبلور است که اگر به این دوره وارد شویم تکلیف مسائلی که در منابع دینی‌مان داریم چه می‌شود؟

این پژوهشگر گفت: اگر در قالب چهار سناریوی کلان، هوش مصنوعی را دسته‌بندی کنیم در این صورت آینده آن به شکل دیگری مطرح می‌شود؛ یک سناریو معتقد است که بهترین حالت ممکن اتفاق می‌افتد که ذیل این نگاه یک سناریو می‌تواند آرمانی باشد؛ سناریو دیگر مبتنی بر همگرایی است؛ یک دسته

تنی چند از پژوهشگران در جریان برگزاری نشست «تحلیل آینده هوش مصنوعی بر اساس سنت‌های الهی» با اشاره به اهمیت مطالعات مبتنی بر آینده‌پژوهی نسبت به مقوله هوش مصنوعی عنوان کردند: این ابزار یک قابلیت است و در جهان امروز کاربرد فراوانی دارد اما پایان تاریخ با هوش مصنوعی نیست و در نهایت آنچه تحقق می‌یابد وعده و سنن الهی است.

به گزارش خبرنگار گروه دین و اندیشه خبرگزاری شبستان: نشست «تحلیل آینده هوش مصنوعی بر اساس سنت‌های الهی» در قالب کرسی علمی ترویجی پنجمین همایش علوم انسانی-اسلامی، پژوهش و فناوری به همت مجمع پژوهشگاه‌های علوم انسانی-اسلامی و با همکاری مرکز توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآن و علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور برگزار شد.

در این نشست حجت‌الاسلام «قاسم ترخان» به عنوان ارائه‌دهنده و حجت‌الاسلام «محمدحسین بهرامی» و «غلامرضا بهروزی لک» به عنوان ناقد حضور داشته و مباحث خود را مطرح کردند.

حجت‌الاسلام ترخان با بیان اینکه در بحث آینده‌پژوهی وقتی به مساله هوش مصنوعی توجه می‌شود، مساله سنت‌های الهی چندان جایگاهی ندارد، اظهار کرد: به نظرم این مساله اساسی است، یعنی اساساً تحلیل و در واقع سناریویی که می‌خواهیم پیشنهاد دهیم بدون لحاظ آن مباحث کلامی نمی‌تواند دقیق باشد.

عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: در این راستا باید چند نکته را روشن کنیم و به چند پرسش پاسخ دهیم؛ نخست آنکه سنت‌های الهی به چه معناست؟ باید تصویر روشنی از این بحث داشته باشیم، مقصود از سنت‌های الهی چیزی است که عالم و آدم را تدبیر می‌کند اما این قوانین می‌تواند طبیعی باشد منتهی مراد ما در این بحث قوانین طبیعی نیست، قرآن واژه سنت‌ها را در مورد قوانین طبیعی به کار نبرده بلکه در مورد قوانین اجتماعی به کار برده و از واژه قدر استفاده کرده است؛ سنت‌ها یعنی قوانینی که خداوند با آنها جوامع بشری را مدیریت می‌کند که خود آنها نیز چندگونه هستند؛ برخی مطلق‌اند یعنی بسته به اراده ما نبوده و چه بخواهیم و چه نخواهیم خدا این قانون را اجرا می‌کند، مثلاً سنت ابتلای مطلق؛ خداوند این سنت را دارد و اجرا می‌کند، این سنن مطلق است، یک دسته از سنن مشروط هستند یعنی بسته به اراده ماست، اگر من اراده کنم این سنت اجرا می‌شود مثل سنت نصر، اگر شما این کار را کردید خدا یاری

فهم مقاومت درآیینۀ نزاع دوتاریخ

به وقوع پیوسته، حاکی از تثبیت‌شدگی این چرخش است. ما در متن یک پیچ تاریخی قرار گرفته‌ایم و به هر سو که می‌نگریم، قطعه‌های تکمیل‌کننده آن را مشاهده می‌کنیم. این قطعه‌ها در ذیل آن فلسفه تاریخ قدسی، معنا می‌یابند و یک چشم‌انداز متمایز را ترسیم می‌کنند.

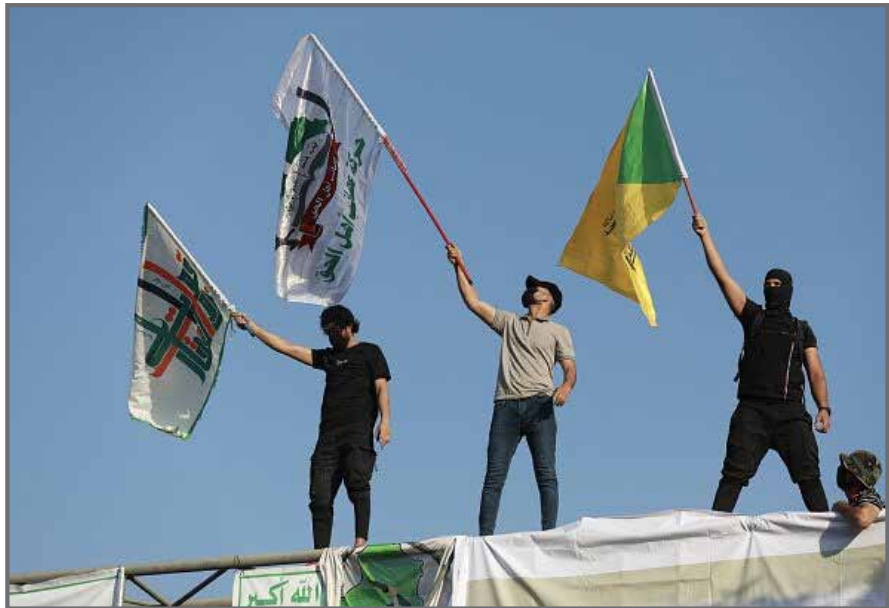
اسوم.ا. و اما قطعه‌های مخالف و نقیض نمی‌توانند این سیر تاریخی را تغییر بدهند و پیچ تاریخی را با امتناع روبرو سازند. ما از وضع امتناع، عبور کرده‌ایم و دوره امکان‌ها و گشودگی‌ها فرارسیده است. هر آنچه که به‌عنوان قطعه‌های تاریخی معارض و متضاد، جلوه‌گر می‌شوند، تلاش‌هایی هستند برای ممانعت از تحقق پیچ تاریخی، اما در عمل و در بلندمدت، ناکام و علیل هستند و نمی‌توانند پیچ تاریخی را ببلعند. ممکن است ما با تأخیر روبرو بشویم و یا نیروهای تاریخی، جایگزین بشوند و در درون عالم اسلامی، نیروهایی به قدرت فروزن تر و کنشگری فراتر دست یابند، اما در کلیت این تاریخ، تغییری حاصل نخواهد شد. این تاریخ از جهت این که پُر حادثه و نوسانی است، لرزان است، اما این واقعیت‌ها، جزئی و موردی هستند و نمی‌توانند تقدیر تاریخی را دگرگون کنند. در سطح کلیت تاریخی و برآیندها و افق وسیع، باید از «تاریخ بی‌بازگشت» سخن گفت و تجدّد را در معرض زوال و فنا انگاشت و باور کرد که عهد قدسی، در حال برآمدن در گستره جهانی است. آنان که اسیر جزئیات و تلاطم‌های روزمره و قطعه‌های لرزان می‌شوند، نمی‌توانند سیر حرکت حتمی مبتنی بر فلسفه تاریخ دینی را درک کنند.

هر یک از این دو فهم، جُست و از این منظر، موقعیت و جغرافیای او را شناسایی کرد؛ نه بر اساس معیارها و مرزهای سیاسی که نیروهای سطحی‌نگر و قدرت‌مدار وادی سیاست، آنها را می‌آفرینند و رسمیت می‌بخشند. چه‌بسا کسانی در درون جریان اصول‌گرایی که خویش را انقلابی می‌انگارند، اما نسبت به این فهم، بیگانه هستند و در چهارچوب تجدّدی، انقلاب را فهم می‌کنند.

ادوم.ا. سخنان رهبر معظم انقلاب درباره وضع سوریه و مقاومت و ایران، برخی را متعجب ساخته است که ایشان چگونه با «قطعیت» و «حتمیت» درباره تحولات منطقه و جهان، اظهار نظر می‌کنند و این چنین، زنجیره رویدادهای آینده را جزمی و محتوم می‌انگارند. خاستگاه این داورهای پیامبرگونه چیست و چرا ایشان درباره آینده‌ای که به‌شدت شکننده و درهم‌پیچیده و رنگ‌پذیر است و متغیرهای متعددی در صورت‌بندی آن مدخلیت دارند، این‌گونه جزمی و قطعی، نظر می‌دهند؟! باید این فهم را به همان فلسفه تاریخی که از آن سخن به میان آمد، ارجاع داد و در سایه آن، موجه انگاشت. این فلسفه تاریخ، تاریخ تجدّدی را در پایان راه خویش تصویر می‌کند و تاریخ دینی را غالب و حاکم می‌انگارد و انقلاب اسلامی را همچون نقطه شروع، یک فصل جدید تاریخی قلمداد می‌کند. تاریخ تجدّدی غالب، به زبر کشیده شده و دیگر توان ایستادن و استعمارگری و بسط و سیطره ندارد و می‌رود که تمام بشود. نظریه شرقی شدن قدرت نیز همین سخن را می‌گوید و به یک چرخش تاریخی اشاره دارد. البته این چرخش، بسیار دشوار است، اما آنچه که در طول صد ساله اخیر در درون عالم اسلامی

بود که دریافتیم باید برای این انقلاب، نوع متفاوتی از «فلسفه تاریخ» را پدید آورد؛ چراکه این انقلاب، جایگاهی بزرگ در آدم و عالم به وجود آورده و دیگر نمی‌توان در چهارچوب چشم‌اندازهای نظری رایج، به فهم و پیش‌بینی آن همت گمارد و حقایق مکتوم را درک کرد. پیش از ایشان، علامه مطهری - رضوان‌الله‌تعالی‌علیه- از عهده بیان و تحلیل این خودآگاهی معرفتی برآمده بود و رگه‌های بسیار تعیین‌کننده‌ای را درباره آن آشکار ساخته بود که نقطه آغاز

فهم قدسی از انقلاب اسلامی و تاریخ پساانقلابی به شمار می‌آید. این در حالی است که نیروهای سکولار، هیچ‌گاه به این حقیقت نظری که در آیینۀ واقعیت، متجلی شده بود، اعتنا نکردند و از محاسبات و معادلات تجدّدی نگسستند. این چنین است که همواره در طول دهه‌های گذشته، با دو گونه فهم از انقلاب و تحولات آن روبرو بوده‌ایم و حاکمیت و عرصه فکری، معرکه نزاع و تقابل این دو فهم متعارض بوده است. این که چه کسی انقلابی یا غیرانقلابی است را باید در ضریب وفاداری‌اش به





عدم اعتراض به مباران رژیم صهیونیستی

هادی ثروتی

هادی ثروتی، کارشناس مسائل بین‌الملل در مصاحبه با برنامه «نصر سلیمانی» رادیو مقاومت، درباره آخرین تحولات سوریه گفت: استراتژی امنیت ملی آمریکا برای خاورمیانه که در قالب یک جنگ نیابتی از سوی بازیگران منطقه‌ای تابعه آمریکا و ناتو طراحی شده بود، در حال اجراست تا اهداف امنیت ملی آمریکا در منطقه و تضعیف کشورهای پیرامونی رژیم صهیونیستی محقق شود.

وی افزود: تحرکاتی که در حال حاضر در سوریه انجام می‌شود، یک سناریوی طراحی شده از سوی آمریکا است و مجریان آن هم ترکیه و رژیم صهیونیستی و برخی عناصر معارض در سوریه هستند که جنگ نیابتی آمریکا را انجام می‌دهند.

کارشناس مسائل بین‌الملل در مورد شرایط اجتماعی و بازتاب دستاوردها و موفقیت‌های جبهه مقاومت به ویژه در لبنان گفت: محور مقاومت یک کل بهم پیوسته است و اضلاع این محور یک عمق استراتژیک هستند که از شرق ایران تا سواحل مدیترانه و حتی به طور غیررسمی شمال آفریقا، قفقاز و آمریکای لاتین را هم شامل می‌شود اما اصل بازی عملیاتی، محور مقاومت در منطقه خاورمیانه است.

ثروتی ادامه داد: در شرایطی که اضلاع محور مقاومت با یکدیگر هم‌افزایی داشتند، سوریه به عنوان بخشی از محور مقاومت به دلیل بی‌تدبیری و جدی نگرفتن تهدید گروه‌های معارض و گروه‌های تروریستی-تکفیری دچار مشکل شد و مردم این کشور هم به دلیل شرایط نامطلوب اجتماعی با فشار اسد همراهی نکردند.

وی افزود: عدم ترمیم گسل‌هایی که در برخی لایه‌های محور مقاومت وجود داشت، باعث سوء استفاده دشمن شد و در نهایت سوریه به عنوان بخشی از محور مقاومت از این فضا جدا شد.

تحلیلگر مسائل بین‌الملل با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی ایران با نگاه آرمان‌گرایانه و با هدف مقابله با نیروهای نیابتی آمریکا وارد سوریه شده بود، گفت: هدف از داعش‌سازی آمریکا در سوریه، ساقط کردن رژیم بشار اسد بود و در مقابل، جمهوری اسلامی ایران نیز به خاطر کمک‌های حافظ اسد در زمان جنگ تحمیلی به عرصه همکاری با سوریه ورود کرد و البته شرطش این بود که بشار اسد اصلاحاتی را در جامعه انجام دهد.

ثروتی ادامه داد: کشور سوریه نیازمند بازسازی، سرمایه‌گذاری و گشایش و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی بود و باید اصلاحاتی در آن انجام می‌شد اما بشار اسد نه تنها این کارها را انجام نداد بلکه از نگاه‌های ما نیز فاصله گرفت و توجهی به توصیه‌های مکرر جمهوری اسلامی ایران نکرد و فقط نگاهش به ارتش بود غافل از اینکه گروه‌های معارض، نیروهای ارتش را هم خریده بودند.

وی افزود: وضعیت اجتماعی بهم ریخته در سوریه موجب بی‌تفاوتی و بعضاً خوشحالی بخشی از مردم سوریه نسبت به رفتن بشار اسد شد اما شرایط طوری خواهد شد که مردم باید کسی مانند بشار اسد را پیدا کنند.

تحلیلگر مسائل بین‌الملل تصریح کرد: جریان‌های معارض در سوریه نگاه مشترکی با محور مقاومت علیه رژیم صهیونیستی ندارند و در شرایطی که صهیونیست‌ها زیرساخت‌های کشور سوریه را بمباران می‌کنند حتی یک مصاحبه هم علیه آنها نمی‌کنند و برعکس طوری صحبت می‌کنند که ایران و حزب‌الله دشمن آنها هستند.

ثروتی گفت: بشار اسد خائن نبود اما قطعاً بی‌تدبیر بود و همین بی‌تدبیری او این وضعیت را در کشور سوریه رقم زد.

محمدپورکیانی

■ به بهانه سخنرانی مقام معظم رهبری درباره وقایع سوریه

وقایع سوریه، شهادت سید حسن نصرالله، ویرانی‌های غزه و... همه را می‌توان «شکست» نامید، به این معنا که هزینه مقاومت را بالا برده و روی زمین از توان ما کاسته‌اند. هزینه‌های اقتصادی و سیاسی فراوان کرده‌ایم، زمین از دست داده‌ایم، فرماندهان مقاومت را از دست داده‌ایم، و همه این‌ها یعنی شکست! ولی شکست به چه معنا؟ معنای هولناک شکست، بسته شدن امکان‌های تاریخ به روی انسان است. آیا چنین قضواتی از شکست‌های اخیر می‌توان داشت؟

در نگاه دقیق‌تر، هر واقعه انسانی یک وضعیت آشکار در اکنون دارد و یک استعداد پنهان برای آینده. وضعیت آشکار ما وضعیت شکست است چرا که «هزینه» ایجاد شده است، ولی در منظر دینی هر واقعه‌ای یک «مجال» است برای آینده. این مجال صرفاً برای یک پیروزی یا به اصطلاح قرآنی «نصر» نمی‌باشد، بلکه امکانی برای «فتح» ایجاد می‌شود، فتح گشودن عرصه و میدان جدید به روی ماست. این سخن نه یک تلقین و دلخوشی که قاعده حرکت‌های اجتماعی است. قاعده‌ای چنان قدرتمند که اساساً معنای شکست و پیروزی را تغییر می‌دهد. از تحریم در شعب ابیطالب تا شکست احد تا صلح حدیبیه در صدر اسلام، و از تسخیر عراق و افغانستان توسط آمریکا و جنگ با یمن در دوران معاصر، شکست‌های متعددی را تجربه کرده‌ایم که قوه‌ای برای فتح در آینده شده‌اند؛ آیات بشارت دهنده «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا» و «لَيَزِيدُنَّا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ» زمانی نازل شدند که برخی مسلمانان در حال سرزنش رسول الله از صلح (شکست) حدیبیه بودند، در حالی که سنت الهی، فتح آینده را در همان تجدید بیعت با ایشان قرار داده بود: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ».

چگونه وقایع را «فرصت» ببینیم و از شکست به فتح برسیم؟ در بیان رهبر معظم انقلاب مهمترین عامل برای چرخش از هزینه‌ها به فتح‌ها، نه پشتیبانی سخت‌افزاری بلکه «مواجهه فعالانه» است که در برابر «انفعال» قرار می‌گیرد. فعال بودن یک وصف انسانی و ایمانی است که اندیشکده‌ها و اتاق‌های جنگ غربی توان کنترل و محاسبه آن را ندارند. آن‌ها همه چیز را محاسبه می‌کنند جز اراده به مقاومت را.

به جملاتی از سخنرانی اخیر رهبر انقلاب مجدداً توجه کنیم: «جبهه مقاومت این است: هر چه فشار بیاورید، محکم‌تر می‌شود؛ هر چه جنایت کنید، پُرانگیزه‌تر می‌شود؛ هر چه با آن‌ها بجنگید، گسترده‌تر می‌شود»، «مقاومت با

ایستادن روی ویرانه‌ها



فشار آوردن نه فقط ضعیف نمی‌شود بلکه قوی‌تر می‌شود»، «جبهه مقاومت یک سخت‌افزار نیست که بشکند یا از هم فرو بریزد یا نابود بشود. مقاومت یک ایمان است، یک تفکر است، یک تصمیم قلبی و قطعی است»، «مناطق تصرف‌شده سوریه به دست جوانان غیور سوری آزاد خواهد شد».

شکست و پیروزی واقعیت دارد، چرا که سهم طرفین از هزینه و فایده را معلوم کرده است. ولی مهم‌تر از آن هر واقعه اجتماعی یک فرجه و مهلت برای طرح آینده است. یک مجال و امکان برای فتح دیگر است. چنان‌که در روایت آمده است «مَا مِنْ نَلِيَةٍ إِلَّا وَ لَهِ فِيهَا نَعْمَةٌ تُحِيطُ بِهَا» «هیچ گرفتاری و بلائی نیست جز آنکه نعمتی الهی آن را احاطه کرده است». نکته عجیب ماجرا این است که مجال برای فتح آینده در شکست‌ها همان قدر مهیا می‌شود که در پیروزی‌ها. چرا که شکست، امکان نونوار شدن و «فعال» شدن انسان‌ها را فراهم می‌کند، و پیروزی‌ها چه بسا امکان «غرور» و غفلت را.

بنابراین مساله اصلی در آرایش ماست، و مهم‌ترین شاخص در ساختن آینده، در دوگانه «فعل-انفعال» نهفته است. شرط حیات مقاومت همین مواجهه زنده با وقایع است، بلکه شرط حیات هر جامعه‌ای چنین پویایی و عاملیتی است. اصلی‌ترین مساله امروز ما، تأمل در شرایط «فرصت‌طلبی» است. چگونه یک هزیمت تبدیل به فتح می‌شود؟ مهمترین سوال علوم اجتماعی در دایره انقلاب اسلامی کشف این منطق است. منطق احیای اراده‌ها برای فرصت‌یابی در شکست‌ها؛ و البته سوالات روشنی که هنوز پاسخی نیافته‌اند: اراده به مقاومت، چگونه شعله‌ور می‌شود؟ صرفاً با ظلم دیدن و خون‌دادن؟ طرح ایران برای استمرار مقاومت در منطقه، استمرار ظلم دیگران است؟

جامعه‌ای که درگیر مسائل روزمره خود باشد، و مشغول نزاع‌های فرهنگی و سیاسی متعدد، اراده جمعی برای مقاومت خواهد داشت؟ سیاست‌گذاران و فرماندهان کنونی مقاومت توان پیشروی این خیزش را دارند؟ خیزش جدید نیازمند شوق و اراده و توان جدید نیست؟

طراحی سقوط سوریه در اتاق فرمان آمریکا و صهیونیسم



دمشق از تاریخ کشورهای عربی درس گرفت و تروریست‌ها بر این کشور تسلط یافتند. اکنون سرکرده همین تروریست‌ها دیگر در فهرست تروریسم واشنگتن و لندن جای ندارد.

با وجود این، برخلاف برخی فرضیه‌ها امکان دارد تحولات جنگ اوکراین به تنهایی در پس تغییر موضع روسیه نباشد. صحبت درباره مذاکره و زدوبند با اسد قبل از تصمیم وی برای استعفا و دستور انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در گزارش‌هایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، ولی امکان تأیید یا تکذیبشان وجود ندارد.

واضح است اسد که ربع قرن بر سوریه تسلط داشت، می‌توانست آینده تحولات را ارزیابی کند و خود را تیغ استعفا در امان بگذارد، به ویژه پس از تمام سناریوهای فاجعه‌باری که از تونس و یمن گرفته تا سودان، لیبی و عراق رخ داده بود، اما شاید غرور، وسوسه قدرت‌های غربی و عربی و مشاوره غلط نزدیکان به رهبران حزب بعث باعث رقم خوردن چنین سرنوشتی شده است.

نقش قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای از جمله روسیه و ایران در



ایستگاه بعدی ماشین جنگی اسرائیل کجاست؟

■ باید برای بدترین سناریوهای ممکن آماده بود.

نتانیاهو از حملات ویرانگر و بی سابقه به سوریه یک هدف کلان سیاسی را دنبال می‌کند؛ او در آستانه بازگشت ترامپ به کاخ سفید می‌خواهد دو پیام به دولت جدید آمریکا مخابره کند:

۱. سقوط بشار اسد و نابودی تمامی زیرساخت‌های نظامی این کشور توسط ارتش اسرائیل، به معنای پیروزی اسرائیل است، ۲. محور مقاومت ضعیف شده است و اکنون به جای مذاکره و توافق، وقت آن رسیده پروژه مهار را یک گام دیگر به جلو برد. در واقع جلوگیری از تغییر رویکرد مثبت احتمالی دولت ترامپ در قبال ایران و همراه کردن آمریکا با خود برای ضربه به ایران.

بر همین اساس، در روزهای پس از سقوط بشار اسد، در محافل غربی (به ویژه در آمریکا) و منطقه‌ای به صورت فزاینده‌ای به این موضوع پرداخته شده است که محور مقاومت ضعیف شده است و می‌توان با فشار بیشتر آن را مهار کرد. مسئله‌ای که احتمالاً به صورت فزاینده‌ای بر ارزیابی تیم دولت جدید آمریکا از وضعیت و سیاستگذاری و تصمیم‌سازی در قبال آن اثرگذار خواهد بود؛ بنابراین قابل انتظار است که ایستگاه بعدی قطار جنگی رژیم صهیونیستی با همراهی آمریکا در منطقه، عراق، یمن و ایران خواهد بود که نباید آن را نادیده گرفت. حمله به تاسیسات هسته‌ای و زیرساختی نفت، گاز و مخابرات و در ادامه ایجاد شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی در ایران از جمله اهداف جنگی احتمالی هستند که در چارچوب تکمیل پروژه مهار ایران در دستور کار اسرائیل و آمریکا قرار دارد. در نهایت باید یادآور شد که منطقه با تحولات شگرف و کم‌سابقه‌ای روبرو شده است که مهم‌ترین ویژگی آن سرعت تحولات، پیچیدگی کانون‌های مناقشه، نیات و اهداف متغیر و در حال تحول بازیگران، تغییرات ژئوپلیتیکی و تحول در نظم امنیتی است.

در چنین محیط آشوبناک و سیالی، درک واقع‌گرایانه از وضعیت و محیط، از غافلگیری جلوگیری می‌کند. آسیب‌ها را به حداقل می‌رساند. نه باید مرعوب تحولات تاریخی کنونی شد و نه با دست کم گرفتن دشمن از کنار آن به راحتی عبور کرد. باید برای بدترین سناریوهای ممکن آماده بود.

تحولات سوریه محسوس است، اما آمریکا، انگلیس، ترکیه و فرانسه نیز نقش دارند و رژیم صهیونیستی بزرگ‌ترین ذی نفع آشوب و بحران داخلی در سوریه است.

آنچه مسلم است، اینکه اکنون جولانی‌ای بر سوریه حکومت می‌کند که تا چند سال پیش از منظر غربی‌ها و مجامع جهانی تروریست خوانده می‌شد. دمشق از تاریخ کشورهای عربی درس گرفت و تروریست‌ها بر این کشور تسلط یافتند. اکنون سرکرده همین تروریست‌ها دیگر در فهرست تروریسم واشنگتن و لندن جای ندارد.

* تحلیلگر تونسسی

افزایش نرخ رسمی ارز مانع نوسانات ارزی و تورم می شود؟

برای مدیریت بازار ارز در کشور، نخستین گام، درک ماهیت چندگانه ارز به عنوان یک دارایی مالی است. طی چهار دهه گذشته، ارز در کشور ما صرفاً یک ابزار مبادله نبوده، بلکه به عنوان دارایی مالی، ابزاری برای حفظ ارزش دارایی‌ها، سرمایه‌گذاری و کسب سود، پنهان‌سازی معاملات غیرقانونی مانند رشوه و فرار مالیاتی، تسهیل فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی همچون قاچاق، تأمین مالی فعالیت‌های غیرقانونی و فساد مورد استفاده قرار گرفته است.

برای مدیریت بازار ارز در کشور، نخستین گام، درک ماهیت چندگانه ارز به عنوان یک دارایی مالی است. طی چهار دهه گذشته، ارز در کشور ما صرفاً یک ابزار مبادله نبوده، بلکه به عنوان دارایی مالی، ابزاری برای حفظ ارزش دارایی‌ها، سرمایه‌گذاری و کسب سود، پنهان‌سازی معاملات غیرقانونی مانند رشوه و فرار مالیاتی، تسهیل فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی همچون قاچاق، تأمین مالی فعالیت‌های غیرقانونی و فساد مورد استفاده قرار گرفته است.

■ قاچاق و خروج سرمایه؛ موتور محرک نوسانات ارزی

نرخ ارز در ایران به شدت تحت تأثیر تقاضای بالای ارز در بازار غیررسمی قرار دارد. برآوردها حاکی از آن است که قاچاق کالا و خروج سرمایه به ترتیب حدود ۳۰ و ۱۰ میلیارد دلار تقاضای ارزی ایجاد کرده است. قاچاقچیان برای تأمین نیاز خود به ارز، حاضرند قیمت‌های بسیار بالایی را پرداخت کنند. در پاسخ به این وضعیت، نرخ ارز شاخص با ۵ درصد تخفیف نسبت به نرخ بازار آزاد معرفی شده است. با این حال، این اقدام نوانسته است به طور کامل جلوی افزایش قیمت دلار را بگیرد و همچنان شکاف قابل توجهی بین نرخ رسمی و غیررسمی ارز وجود دارد.

■ وابستگی تولید به واردات؛ حلقه مفقوده تورم ناشی از افزایش نرخ ارز

افزایش نرخ ارز در ایران، با توجه به وابستگی بالای تولید به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، به طور مستقیم هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد. این افزایش هزینه‌ها به عنوان تورم ناشی از فشار هزینه، بر اقتصاد تحمیل می‌شود. در چنین شرایطی، هم تولیدکنندگان برای تأمین نیاز به سرمایه در گردش بیشتر و هم مصرف‌کنندگان برای تأمین کالاهای گران‌تر، به سمت بانک‌ها سوق پیدا می‌کنند.

افزایش تقاضا برای تسهیلات بانکی، بانک‌ها را بر می‌انگیزد تا حجم نقدینگی در اقتصاد را افزایش دهند. این افزایش نقدینگی در نهایت منجر به تورم ناشی از فشار تقاضا می‌شود. به عبارت دیگر، افزایش نرخ ارز به صورت زنجیره‌ای، هزینه‌های تولید را بالا برده، تقاضا برای پول را افزایش داده و در نهایت به رشد تورم دامن زده است.

بانک مرکزی با افزایش تدریجی نرخ ارز در بازار مبادله به دنبال جذب ارزهای موجود در بازار غیر رسمی و یکسان‌سازی نرخ ارز است. اما این سیاست، به جای کاهش شکاف میان نرخ رسمی و غیررسمی، آن را تشدید کرده است. چرا که قاچاقچیان برای تأمین ارز مورد نیاز خود، مجبور به پیشنهاد نرخ‌های بالاتری به صادرکنندگان می‌شوند تا بتوانند ارز مورد نیاز خود را تأمین کنند.

به این ترتیب، شکاف میان نرخ‌های مختلف ارز بیشتر شده و همچون پاندولی، با تغییر یک نرخ، سایر نرخ‌ها نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند و با هم افزایش می‌یابند. این وضعیت ناپایداری و عدم قطعیت در بازار ارز را افزایش داده و پیش‌بینی روند آینده نرخ ارز را دشوار می‌سازد.

■ نرخ ارز غیررسمی؛ اهرمی برای افزایش تورم

در اقتصاد ایران، وابستگی شدید صنایع به ارز و نوسانات آن، تورم زایی را تشدید کرده است. با افزایش نرخ ارز، قیمت نهاده‌های تولید مانند محصولات پتروشیمی، پالایشگاهی و فولاد که اغلب به ارز وابسته هستند، افزایش می‌یابد. این افزایش قیمت‌ها به سایر بخش‌های تولید منتقل شده و هزینه‌های تولید را بالا می‌برد.

■ چرا نرخ ارز همچنان در ایران بالا می‌رود؟

افزایش نرخ ارز، به ویژه در بازارهای موازی و غیررسمی، می‌تواند سرعت گردش پول را به شدت افزایش دهد. این پدیده به دلیل تلاش افراد برای حفظ ارزش دارایی‌های خود در برابر کاهش ارزش پول ملی و همچنین سفته‌بازی در بازار ارز رخ می‌دهد. رابطه بین نرخ ارز و تورم یک رابطه دوطرفه و پیچیده است که در آن هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارد. تورم می‌تواند با افزایش هزینه‌های تولید و کاهش ارزش پول، فشار افزایشی بر نرخ ارز وارد کند.

از سوی دیگر، افزایش نرخ ارز نیز می‌تواند با افزایش هزینه‌های



می‌دهد که ریشه اصلی نوسانات و بی‌ثباتی در بازار ارز، فراتر از نرخ ارز کالاهای اساسی بوده و به ساختار کلی بازار ارز و وجود بازار غیررسمی مرتبط است. چرخه معیوب افزایش نرخ ارز؛ نوسانات و تورم را افزایش داد در طول سال‌های اخیر، سیاست‌گذاران اقتصادی کشور به طور مکرر با افزایش نرخ ارز رسمی تلاش کرده‌اند تا فاصله میان نرخ ارز رسمی و بازار آزاد را کاهش داده و از این طریق، رانت موجود در بازار ارز را از بین ببرند. با این حال، تجربه نشان داده است که این سیاست نه تنها به هدف خود نرسیده بلکه به تشدید نوسانات ارزی و افزایش تورم نیز دامن زده است.

افزایش اخیر نرخ دلار در بازار مبادله به حدود ۵۲ هزار تومان و جهش همزمان نرخ دلار در بازار آزاد به حدود ۷۲ هزار تومان، بار دیگر ناکارآمدی این سیاست را به اثبات رساند. به عبارت دیگر، هر بار که نرخ ارز رسمی افزایش یافته است، نرخ ارز در بازار آزاد نیز با تأخیر و شدت بیشتری بالا رفته و این چرخه معیوب همچنان ادامه داشته است.

■ مرجعیت نرخ بازار غیررسمی از می‌تواند ارکان اقتصاد ایران را متزلزل کند

علت نوسانات شدید نرخ ارز در بازار ایران، وجود تقاضای کنترل‌نشده و گسترده در بازار غیررسمی است. حجم بالای تقاضا در بازار غیررسمی، که به طور تقریبی ۴۰ درصد کل تقاضای ارز را تشکیل می‌دهد، باعث شده تا نرخ ارز به شدت تحت تأثیر این بازار قرار گیرد. ضعف در مدیریت بازار رسمی ارز، که سهم ۶۰ درصدی از تقاضا را به خود اختصاص داده، به بازار غیررسمی اجازه داده تا بر بازار ارز مسلط شود.

در نتیجه، سیاست‌گذاران اقتصادی عملاً مجبور شده‌اند که سیاست‌های خود را با توجه به نوسانات بازار غیررسمی تنظیم کنند. این امر نشان می‌دهد که بازار غیررسمی ارز به یک عامل تعیین‌کننده در نرخ ارز تبدیل شده و کنترل آن برای ثبات اقتصادی کشور از اهمیت بالایی برخوردار است.



ه‌ادلیل نشریه‌کنگره آمریکا درباره ناکارآمدی فشار حداکثری علیه ایران

احسان احمدی

یک نشریه نزدیک به کنگره آمریکا در تحلیلی به دلایل متعددی اشاره کرده که چرا فشار حداکثری در دوره دوم دونالد ترامپ علیه ایران کارساز نخواهد بود.

نشریه هیل، نزدیک به کنگره آمریکا در یادداشتی به قلم «جیمز دورسو»، تحلیلگر مسائل خارجی به دلایل متعددی درباره اینکه چرا فشار حداکثری ترامپ علیه ایران کارساز نخواهد بود اشاره کرده است.

در زیر خلاصه‌ای از این یادداشت در ۱۰ بند در خصوص اینکه چرا کارزار فشار حداکثری در سال ۲۰۲۵ اثرات ۲۰۱۸ را نخواهد داشت آورده شده است.

۱- حمایت آمریکا از جنگ‌های اسرائیل علیه مردم فلسطین و لبنان باعث از بین رفتن حمایت‌ها از اقدامات آمریکا شده‌اند و در حال حاضر در پایتخت کشورهای خاورمیانه این نگرانی وجود دارد که فشار حداکثری به تشدید تنش‌های منطقه‌ای ختم می‌شود.

۲- روابط عربستان سعودی و ایران از سال ۲۰۲۳ نزدیک‌تر شده و دو کشور روابط دیپلماتیک با یکدیگر را شروع کرده‌اند. محمد بن سلمان چندی پیش با رئیس‌جمهور ایران صحبت کرد و روابط اقتصادی میان دو کشور رو به ازدیاد است.

۳- سران امارات متحده عربی و ایران هم در ماه اکتبر نخستین دیدار رو در رو را برگزار کردند و مراودات تجاری میان تهران-ابوظبی نیز رو به ازدیاد است. مضاف بر این، ایران و قطر هم در حال تلاش برای گسترش دادن پیوندهای اقتصادی هستند.

۴- وضعیت بازار نفت نسبت به ۲۰۱۸ تغییر کرده است. صادرات نفت ایران از کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه در نیمه دوم سال ۲۰۱۹ افزایش پیدا کرده و سال به سال بیشتر شده است.

۵- ایران شبکه خود برای دور زدن تحریم‌ها را افزایش داده است. ناوگان نفت‌کش‌های ایران هم بیشتر شده‌اند بنابراین اگر آمریکا بار دیگر ایران را تحریم کند متوجه خواهد شد که باقی‌مانده خریداران کسانی هستند که لزوماً هراسی از تحریم‌ها ندارند.

۶- مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران بعد از انتخاب به سمت ریاست‌جمهوری اعلام کرد آماده تقویت روابط ایران با کشورهای همسایه است.

۷- تقویت روابط ایران با چین نیز تاب‌آوری این کشور را افزایش داده است. مارس ۲۰۲۱ ایران و چین توافق همکاری جامع راهبردی خودشان را امضا کردند که شامل بندهایی برای سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری چین در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران اعم از نفت، گاز، پتروشیمی، حمل و نقل و تولید است.

۸- ایران رابطه خود با روسیه هم در بخش نظامی و هم در بخش غیرنظامی افزایش داده است. نشریه مسکو تایمز گزارش داده صادرات محصولات غیرنظامی روسیه به ایران سال گذشته ۲۷ درصد افزایش پیدا کرد.

علاوه بر این، واردات روسیه از ایران ۱۰ درصد افزایش داشت. دو طرف توافق کردند تجارت با ارزهای خارجی دو کشور را جایگزین دلار کنند. روسیه همچنین متعهد به سرمایه‌گذاری ۴۰ میلیارد دلاری در بخش نفت و گاز ایران شده است.

۹- ترامپ علاقه‌ای به آغاز جنگ با ایران ندارد چرا که نسبت به آثار چنین اقدامی بر اقتصاد ایالات متحده آگاه است.

۱۰- «فشار حداکثری» شعار است و راهبرد نیست.

راهکارهای مختلفی برای جلوگیری از تحمیل تورم افزایش نرخ بنزین بر مردم وجود دارد

جعفر قادری



بنزین را افزایش ندهد، اما وقتی نوبت به مصارف بالاتر از ۱۲۰ لیتر می‌رسد این میزان را به متقاضیان با نرخ روز محاسبه و عرضه کند. همچنین دولت به هر نفر باید یک کارت بنزین بدهد یعنی اگر افرادی پیدا می‌شوند که دو یا چند خودرو دارند نباید به آنها کارت‌های متعدد سوخت بدهد؛ به بیان بهتر دولت به افرادی که بیش از یک خودرو دارند اجازه ندهد با کارت‌های خودروهای دوم و سوم یا الی آخر خود بتوانند بنزین را با قیمت پارانهای دریافت کنند.

بی‌تردید روش‌های بسیار زیادی برای عدم تحمیل فشار تورمی به مردم وجود دارد که اگر دنبال شود به نوبه خود می‌تواند کارساز باشد. با توجه به اینکه مردم نگران آثار تورمی ناشی از افزایش نرخ بنزین هستند دولت در وهله اول با در نظر گرفتن این موارد که فشار تورمی به مردم وارد نمی‌شود باید این راه را دنبال کند. آثار و پیامدهای تورمی بسیاری از مسائلی که در دولت تصمیم‌گیری می‌شود به عنوان اولین رکن مهم باید در دستور کار و بررسی قرار بگیرد چرا که قرار نیست و نباید تورم بیش از این بر زندگی مردم تحمیل شود و مشکلات مردم افزایش بیابد، بلکه باید به دنبال راه‌هایی باشیم که ضمن کاهش مصرف نیازی به واردات بنزین و خروج ارز از کشور وجود نداشته باشد.

* عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی

افزایش نرخ بنزین همواره یکی از تصمیمات و سیاست‌های پردردسر و چالش برانگیز در ایران بوده است بخصوص در وضعیتی که تورم‌های بالا در اقتصاد وجود دارد و مردم نالان از تورم نگران تداوم این رویه هستند. افزایش قیمت بنزین می‌تواند آثار و پیامد تورمی داشته باشد بنابراین دو وهله اول دولت محترم نباید به خودی خود فقط و فقط به دنبال افزایش نرخ بنزین باشد بلکه می‌تواند چند راهکار اساسی را در دستور کار قرار دهد تا بدین واسطه بتواند مانع تورم افسار گسیخته‌ای شود که به دلیل افزایش نرخ بنزین ایجاد می‌شود.

به نظر می‌رسد اولین راهکار برای جلوگیری از افزایش نرخ بنزین جلوگیری از قاچاق بنزین بخصوص مرزهاست چرا که آمارهای متفاوت، اما بالایی درخصوص قاچاق بنزین از مرزها به دست می‌رسد بنابراین این موضوع می‌تواند یک راهکار برای جبران ناترازی بنزین باشد. به عنوان اولین راهکار دولت محترم می‌تواند در مرزها براساس مصوبات شورای اقتصاد سریعاً تعداد قابل توجهی ایستگاه س‌ان‌جی مستقر کند و با عرضه زیاد س‌ان‌جی بهانه را از مرزنشینان بگیرد.

بی‌تردید با عرضه س‌ان‌جی نیازی به تأمین بنزین برای مرزنشینان نیست با توجه به این نکته بسیار مهم که س‌ان‌جی قابلیت قاچاق کردن ندارد پس این موضوع می‌تواند راهکاری برای جبران بخشی از ناترازی بنزین باشد. راهکار دوم می‌تواند این باشد که دولت در شهرهای آلوده کشور، یعنی شهرهای بزرگ و کلانشهرها که میزان آلاینده‌های بالایی دارند دولت باید سریعاً خودروهای عمومی برقی وارد کند تا نیازی به مصرف سوخت بنزین نباشد، اگر این موضوع در دستور کار دولت قرار بگیرد قطعاً نرخ حمل و نقل عمومی افزایش نمی‌یابد و از این جهت رضایت خاطر عموم جامعه و استفاده‌کنندگان از حمل و نقل عمومی فراهم می‌شود.

سومین راهکار می‌تواند این موضوع باشد که دولت دقیقاً بیاید و قیمت بنزین را تصاعدی کند یعنی ۶۰ لیتر اول و ۶۰ لیتر دوم را همان ۱۵۰۰ و ۳ هزار تومان نگه دارد یعنی نرخ این میزان



معاملات کم‌سود در بازار مسکن

داوود بیگی نژاد

معاملات کم‌سود در بازار مسکن؛ افزایش تمایل مستاجران به خرید خانه‌های قدیمی

نایب رئیس اتحادیه املاک تهران گفت: تمایل خریداران به خرید واحدهای قدیمی‌تر به دلیل محدودیت‌های مالی، می‌تواند آینده تولید مسکن را با چالش جدی مواجه کند. داوود بیگی نژاد نایب رئیس اتحادیه املاک با بیان اینکه بیشترین افزایش قیمت مربوط به منطقه ۲۲ تهران با رشد ۳۴ درصدی بوده است، گفت: پس از منطقه ۲۲، منطقه یک تهران با رشد ۳۳ درصد و منطقه ۲۰ با رشد ۳۰ درصدی به ترتیب در صدر جدول افزایش قیمت مسکن در مناطق مختلف تهران بوده‌اند.

وی با اشاره به اینکه در منطقه ۳ با ۶۵ درصد و منطقه ۲ با ۷۵ درصد و منطقه ۱۰ با رشد ۱۰ درصدی قیمت مسکن روبرو بوده است، افزود: در حال حاضر روند معاملات در بازار مسکن با کندی پیش می‌رود و معاملات در برخی از مناطق نسبت به سایر مناطق از استقبال بیشتر متقاضیان برخوردار است. متأسفانه قدرت خرید در بخش معاملات خرید و اجاره با کندی همراه بوده است.

نقش تنانگی زن در کمدی ایرانی

مریم شوندی

نقش زنان در کمدی‌های ایرانی، مولفه‌ای است که طی سالیان متوالی تغییراتی داشته است. این تغییرات به فراخور دال مرکزی فیلم‌ها و نیز تاریخ سینمای ایران، که خود متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی بوده، رخ داده است. با اینکه نقش زن در به کارگیری از بدن همواره مشمول محدودیت‌هایی بوده، اما این به کارگیری در گذر تاریخ سینمای ایران مرزهای متفاوتی را تعریف کرده است. این مرزها با معیارهای مختلفی چون پوشش، آرایش چهره و حرکت تغییر می‌کرد و ویژگی‌های جدیدی برای کمدی ایرانی می‌ساخت.

به فاصله سال‌های دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، زنان نقشی هم‌سو با هنجارهای اجتماعی در طنزهای ایرانی داشتند. بازیگرانی چون حمیده خیرآبادی و پروین سلیمانی، نماینده زنان سنت‌اندیش و طنز بودند که تصویر زنان خانه‌دار و رند را ایفا می‌کردند. این تصویر از زن که نمونه‌هایی از آن را در اجاره‌نشین‌ها (۱۳۶۶) و آقای شانس (۱۳۷۲) دیده بودیم، تصویری هم‌نشین با تصویر خانه بود که معمولا چادر به سر داشت و کم حرکت می‌کرد و در موقعیت همراهی با مرد داستان و یا در تنازع با مردان به خلق لحظه کمیک کمک می‌کرد. در فیلم «دیگه چه خبر؟» (۱۳۷۱) این تصویر با ظهور دختری کنجکاو و باهوش تغییر یافت و شمایل تازه‌ای از زن را در طنز تعریف کرد که با شیطننت و جسارت همراه بود. این شیطننت، ظرفیت جدیدی در پویایی بازیگر زن ایجاد کرد که با نقش سنتی تفاوت داشت. این نقش اما آن چنان که باید، جریان پیدا نکرد تا اینکه در میانه دهه ۷۰، نمایش فیلم «آدم برفی» (۱۳۷۶) تاثیر بسزایی در تصویر زن در سینما ایجاد کرد. با اینکه نقش زن را در این فیلم یک مرد ایفا می‌کرد، اما توجه به بدن و دلالت بر جزئیات پوشش و نیز مضمون بدیع نقش جنسیت در روابط اجتماعی، فصل جدیدی از رویکرد سینما به مقوله «تن» و «زن» را باز کرد. این تصویر سبب شد خوانش سنت‌گرایانه از زن به مرور جای خود را به زن مدرن و نوگرا بدهد. سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ که مهم‌ترین کمدی‌ها را محمدرضا هنرمند با نمایش «مرد عوضی» و «مومیایی ۳» روی پرده سینما به نمایش گذاشت، تصویر زن مدرن به تبعیت از جریان اصلی سینمای ایران به کمدی راه یافت. می‌توان گفت مهتاب کرامتی، افسانه پایگان و فاطمه معتمدآریا از اولین زنان کم‌دین بودند که شمایل زن عملگرایی خارج از خانه را بازی کردند.

زن در کمدی دهه ۸۰ همچنان نوگراتر ظاهر شد و این روند را هم‌زمان در پوشش، بدن و کنش پیش برد. به گونه‌ای که تصویر نهایی، خود را به مفهوم «زن فریبنده» نزدیک کرد. در نیمه ابتدایی دهه ۸۰، زن در معنای مدرن خود به ابژه تقلیل پیدا کرد که این مفهوم در بیشتر کمدی‌های عاشقانه آن سال‌ها قابل مشاهده بود. شاخه‌گلی برای عروس، عروس فراری و کلاهی برای باران از جمله فیلم‌هایی بودند که با تکیه بر کلیشه‌های عاشقانه، از زن به‌عنوان یک نقطه وصل استفاده کردند و در این راه، بدن نقش پررنگ‌تری به خود گرفت. استفاده از گرم‌های افراطی، نمایش عشوه‌گری و نیز بهره بردن از بازیگران زن خوش سیما و غیرحرفه‌ای از ویژگی‌های این گونه فیلم‌ها شد. فرمولی که در فیلم‌های آرش معیریان نیز در حد اغراق آمیزتر جلوه می‌کرد و اثر را به فیلم‌های درجه چندم تقلیل می‌داد. در همین زمان بود که بازیگرانی چون سحر قریشی و نیوشا ضیغمی از جمله پرکارترین زنان کمدی ایران شدند. در ادامه



روزهای پایانی فیلمبرداری نسخه سینمایی «موسی کلیم‌الله (ع)»

ابراهیم حاتمی‌کیا، قصد دارد با استفاده از تکنولوژی تولید مجازی برای اولین بار در ایران، نسخه سینمایی و پیش‌نمایش «موسی کلیم‌الله (ع)» را برای حضور در جشنواره فیلم فجر آماده کند.

نسخه پیش‌نمایش «موسی کلیم‌الله (ع)» مانند نسخه سریال آن، با تکنولوژی نوین تولید مجازی آماده می‌شود که بخشی از تکنولوژی آن توسط جوانان متخصص کشور زیر نظر ابراهیم حاتمی‌کیا بومی شده است.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی با همراهی مسئولین صداوسیما در روزهای پایانی فیلمبرداری نسخه سینمایی این پروژه، سر صحنه آن حضور پیدا کرد و از کارگاه‌ها و استودیوی بزرگ جنبی سریال بازدید کرد.

فیلم و سریال موسی کلیم‌الله (ع) محصول مرکز سیمافیلیم است و عوامل این پروژه بعد از اتمام و آماده‌سازی این نسخه، بلافاصله فیلمبرداری فصل اول سریال را آغاز می‌کنند.

بازگشت ثریا قاسمی به عرصه دوبله

ثریا قاسمی، بازیگر بعد از مدت‌ها دوری از عرصه دوبله، با حضور در واحد دوبلاژ سیما برای دوبله فیلمی با نام «تلمنا» به این عرصه بازگشته است.

«سال‌های دور از خانه»، «داستان زندگی»، «جوکر»، «هالووین هیویی» و «هائیش کن» از جمله آثاری هستند که ثریا قاسمی در دوبله آنها حضور داشته است.

مجیدی و صدرعاملی برای کانون پرورش فکری فیلم می‌سازند



حامد علامتی، مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان:

جدیدترین پروژه کانون پرورش فکری کودک و نوجوان به کارگردانی مجید مجیدی با موضوع عدالت آموزشی در حال تولید است و در چابهار فیلمبرداری می‌شود.

اثر دیگر کانون، فیلم سینمایی «زیبا صدایم کن» به کارگردانی رسول صدرعاملی است که مراحل تدوین را پشت سر می‌گذارد و امیدواریم به جشنواره فجر برسد.



با اینکه زن را در معیار هنجارهای امروزی، بدپوشش نمی‌کرد، اما رفتارهایش را در خارج از عرف رسمی نشان می‌داد. همراهی زنان در صحنه‌های رقص و خواندن ترانه‌های قدیمی و در بعضی موقعیت‌ها، استفاده از کنش‌های فریبنده زنانه که در تعارض با پوشش ضد ارتوتیک زن به خلق کمدی می‌انجامید، از جمله موضوعاتی است که نوستالژی را با کمک بازی گرفتن از بدن، به کمدی پیوند می‌داد.

بنابراین می‌توان استفاده از بازیگران زن غیرمسلمان، انعکاس تضاد طبقاتی در پوشش زنان و نیز تضاد عرفی در مقیاس نوستالژی دهه ۶۰ را از مهم‌ترین علل اصالت یافتن این مولفه‌ها در سال‌های اخیر نیز به کرات در سینمای طنز اتفاق افتاد. فیلم‌هایی مانند «فسیل»، «شهر هرت»، «پول و پارتی»، «زودپز» و «تگراس ۳» هر کدام با داشتن حداقل یکی از این سه مولفه در بازی زنان، تن را به عنوان عاملی مهم در خلق کمدی به حساب آوردند.

با وجود اینکه استفاده از کمدی جسمانی شیوه‌ای مرسوم در تاریخ سینمای کمدی به حساب می‌آید، اما استفاده بی‌رویه از مقوله تن همواره خطری برای ژانر کمدی و تقلیل آن به نمایش‌های عوامانه بوده است. چیزی که در واکاوی داده‌های سینمای اخیر به چشم می‌آید این است که تن در بازی مردان نیز به ابزاری سطحی برای موقعیت‌های هزل بدل شده است. تکرار صحنه‌های رقص در طنزهای ایرانی که اغلب منقطع از سیر داستان تعریف شده، موبد این گزاره است. در مطالعه روند تولید کمدی‌های ایرانی به نظر می‌رسد اصالت یافتن بدن زن در دو مقطع سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ و سال‌های انتهایی دهه ۹۰ تا به امروز، بیشتر از مقاطع دیگر بوده است. معنادار بودن این تغییرات در سینمای کمدی، فرضیه عبور از «مرحله داستانی» به «مرحله تنانگی» را مطرح می‌کند که نیاز به بررسی روشنگرانه‌تری در حوزه رفتار و بازنمایی زنان در سینمای ایران دارد.

فیلم‌های این دهه، شمایل زن کم‌کم رنگ و بوی مستقل به خود گرفت و تلاش شد در کانون داستان از ایژگی رها شود. فیلم‌های تهمینه میلانی چون «آتش‌بس» (۱۳۸۵) و «تسویه حساب» (۱۳۸۶) مثال‌های خوبی برای این تغییر شمایلند. مهناز افشار در نقش زن مستقل و لوجج، این کاراکتر را نمایندگی کرد و آن را در فیلم‌های دیگری مانند «پسر آدم دختر حوا» (۱۳۸۷) نیز تکرار کرد. اگرچه که در تمام این نقش‌ها همچنان زن در نزاع دوگانه با جنس مرد، از بازنمایی سطحی خود خارج نشد و ایژگی را در سطح واکنشی ضعیف و کودکانه به قوانین مردسالار تکرار کرد.

فیلم‌های کمدی دیگری در دهه هشتاد تولید شدند که به دلیل استیلای فضای مردانه، نقش زن را در چهارچوب سنتی تعریف کرده و از داخل معیارهای سنتی، موقعیت خنده را برای تماشاگر ایجاد کردند. فیلم‌هایی مانند «مارمولک» (۱۳۸۳) و «خراجی‌های ۱» (۱۳۸۶) از آن جمله‌اند.

با آغاز دهه ۹۰، فیلم مهمی از بین کمدی‌های ایرانی به نمایش درآمد که تعریف قابل توجهی از نقش زن در طنز را ایجاد کرد. فیلم «ورود آقایان ممنوع» ساخته رامبد جوان، که با وجود نقش اساسی زنان و کانونمندی داستان بر کنش زنانه، از مرزهای هنجارمند عبور نکرد و به خوبی زن را در موقعیت خلق کمیک قرار داد. در این فیلم، با اینکه بدن زن به دلیل دیسیپلین فضای مدرسه داخل داستان، خشک و نامنعطف جلوه می‌کرد، اما بازی گرفتن از میمیک صورت و قاب‌های بسته خانم مدیر، مواد لازم و کافی برای ساختن طنز را ایجاد کرده و تماشاگر را به خنده می‌انداخت. همچنین توجه به طنز موقعیت و اصالت صحنه بر بازیگر، این امکان را می‌داد که تصویری واقعی و به اندازه از زن در داستان کمدی ساخته شود.

جریان فیلم کمدی در سال‌های دهه ۹۰، تغییر چشم‌گیری در پیش گرفت. ساخت و تولید فیلم‌هایی در خارج از ایران و با بهره‌گیری از بازیگر زن غیرمسلمان اقدامی بود که در سال‌های ۹۴ تا ۹۶ به یک فرمول متعارف برای جذب مخاطب تبدیل شد. فیلم‌هایی چون «من سالوادور نیستم»، «سلام بمبئی»، «تگراس» و «مصادره»، از جمله شاخص‌ترین این‌گونه آثار بودند که با استفاده از بدن زن در تصویری خارج از عرف ایرانی، کنجکاو تماشاگر را برانگیختند. مولفه دیگری که در کمدی دهه ۹۰ دنبال شد، ساختار تماتیک کمدی بر پایه مضمون اختلاف طبقاتی و اختلاف فرهنگی بود. مضمونی که به ایجاد موقعیت خنده کمک می‌کرد و گاهی از بدن زن نیز در راستای خلق این تضاد کمک می‌گرفت. در «رحمان ۱۴۰۰» (۱۳۹۶) همسر رحمان با بازی یکتا ناصر در نقش زن طبقه محروم که سعی می‌کند ظاهرش را متجدد نشان دهد، نمونه خوبی از انعکاس فضای تماتیک داستان بر بدن زن است. در «دینامیت» (۱۳۹۷) نیز این مسئله در نوع گرم و بازی نازنین بیاتی نمود پیدا می‌کند. «اینه بغل» (۱۳۹۶) و «عروسی مردم» (۱۳۹۸) از دیگر نمونه‌های این موضوع‌اند. اما مضمون دیگری که باعث شد تا در این سال‌ها نقش بدن در شکل‌گیری موقعیت کمیک پررنگ‌تر شود، توجه به تم نوستالژی در فیلم‌ها بود. ساخت فیلم «هنگ عنبر» در سال ۱۳۹۳ اولین قدم را در راه‌یابی مضمون نوستالژی در سینمای کمدی بود. مضمونی که از مخاطب می‌خواست به گذشته خود بخندد و مولفه‌های پوششی و رفتاری دهه ۶۰ را به مثابه یک خاطره شرم‌آور در مرکز تمسخر قرار دهد. این مضمون

خدای تازه بیاور!



بخشی از دیوار کلیسای سسیسین فرومی‌ریزد. لارنس در اسلوموشن به قسمت تخریب‌شده نگاه می‌کند. جایی که یک باریکه نور عریض گویی از جانب خداوند وارد کلیسا شده است. ماجرا جایی بامزه‌تر می‌شود که در انتخابات نهایی، همه کاردینال‌ها از جمله خود لارنس به همان بخش از دیوار کلیسا نگاه می‌کنند و رأی خود را می‌نویسند. به این ترتیب پاپ جدید با آن اوصاف ذکرشده، از جانب خداوند انتخاب می‌شود.

البته این خدا، خدایی پست‌مدرن است. خدایی که برای احقاق حق دگرباش‌ها و در دفاع از سقط جنین دیوار کلیسا را می‌شکافد و یک انسان جنسیت‌زادی‌یافته را به‌عنوان پاپ انتخاب می‌کند که نماینده مکزیک و خاورمیانه است. این خدا به‌واسطه اسباب امور را پیش می‌برد و به‌واسطه موج انفجار تروریست‌های مسلمان دیوار کلیسا را تخریب می‌کند و به دیگر مذاهب و ادیان هم احترام می‌گذارد. پاپ مدنظر فیلمساز، کولازی پست‌مدرن از وضعیت فرهنگی موجود است. درواقع فیلمساز سرمایه‌داری را به‌جای خدای مسیحیت می‌نشانند و تنها یک بسته‌بندی شیک از مسیحیت باقی می‌گذارد.

و سقط جنین. اما آیا می‌توان به یقین دیگران مشکوک شد؟ حفره اساسی فیلم همین‌جاست. جایی که این سؤال بی‌پاسخ مطرح می‌شود که لارنس دقیقا چه چیزی شک کرده است؟ اینکه لارنس از ساختار فاسد واتیکان بیزار شده و می‌خواهد آنجا را ترک کند، آن تردیدی نیست که به ایمان بینجامد. ضمنا لارنس از چه ساختاری فراری است؟ اطلاعاتی که طی روایت از پاپ متوفی داده می‌شود، از او شخصیتی می‌سازد که اعتقاداتش دقیقا منطبق با اعتقادات لارنس است. پی بردن لارنس به فساد کلیسا هم در پیچ‌وتاب وقایع فیلم رخ می‌دهد، پس لارنس دقیقا از چه چیزی در واتیکان فراری است؟ شک لارنس، مال او نیست و تحمیلی است.

از نگاه فیلمساز، کاردینال‌ها متهمند به سوءاستفاده از دین برای دستیابی به منافع شخصی و حزبی. اما خود فیلمساز هم دقیقا همین کار را می‌کند، پس از رسوایی و از میدان به در شدن همه گزینه‌ها، در نهایت گزینه‌ای به‌عنوان پاپ انتخاب می‌شود که به‌لحاظ فیزیولوژیک زن است. لارنس که پیش از پی بردن به این ماجرا در قالب -به‌قول خودشان- یک لیبرال حامی رنگین‌پوستان، دگرباش‌ها و سقط جنین بوده است، در اوج فیلم کار را تمام می‌کند و رضایت به پاپ شدن کاردینالی تراجنسیتی می‌دهد که سال‌ها در افغانستان و عراق خدمت کرده و اصالتا مکزیک است. اما با توجه به ممنوعیت ازدواج برای کاردینال‌ها، بنیت درواقع فاقد جنسیت است. او برای خود لقب «معضوم» را انتخاب می‌کند که تلویحا به فاقد جنسیت بودن او اشاره دارد. فیلمساز با بسنده کردن به خطابه‌های بنیتز (پاپ جدید) و بدون پرداخت کافی این شخصیت طی روایت، از حوادثی در فیلم برای توجیه انتخاب او استفاده می‌کند که شبیه معجزه به نظر می‌رسند. وقتی لارنس به‌عنوان تنها گزینه باقی می‌ماند و به خودش رأی می‌دهد، ناگهان

محمدقربانی

«مجمع کاردینال‌ها» سوژه جذابی دارد. پاپ می‌میرد و کاردینال‌ها در واتیکان برای انتخاب پاپ جدید گردهم می‌آیند. این موقعیت دراماتیک به تماشاگر نوید می‌دهد که می‌تواند از روابط، مناسبات و مراسم کوریا (ساختار حکومتی واتیکان) سر در بیاورد و گروه‌های مختلف عالمان دینی کاتولیک را بشناسد. فیلمساز در نمایش آیین‌ها و مراسم واتیکان -به‌ویژه فرایند انتخاب پاپ جدید- موفق است و همچنین لوکیشن‌ها بسیار چشمگیر بازسازی شده‌اند. درواقع فیلم بسته‌بندی خوبی دارد اما وقتی به عمق می‌رویم و به شخصیت‌پردازی و روایت نگاه می‌کنیم، ماجرا فرق می‌کند.

مجمع کاردینال‌ها آنقدر تحت‌تأثیر وضعیت فرهنگی حاکم در رسانه‌هاست که نمی‌تواند شخصیت‌های خودش را مبتنی بر جهانی منحصربه‌فرد خلق کند. مسئله این نیست که کاردینال تددسکو نماینده کاتولیک‌های مرتجع است و کاردینال ترومبلی نماینده سیاسی کاران و هر کاردینال دیگر به‌نحوی نماینده یک گروه و طرز فکر. مسئله ناکارآمدی تیپ‌هاست. این تیپ‌های فیلم زمانی می‌توانستند به کار بیایند که شخصیت اصلی، لارنس به شخصیت تبدیل می‌شد. لارنس همانطور که خودش در اولین سخنرانی می‌گوید تردید را مقدمه و حتی لازمه ایمان می‌داند. ایمان پویایی که در برابر «یقین» قرار می‌گیرد. بنابراین سیر او باید از یقین به تردید و از تردید به ایمان باشد. اما هیچ سیری در شخصیت لارنس دیده نمی‌شود و نه تردید او معین است و نه ایقان اولیه‌اش که قرار است به‌واسطه تردید به ایمان برسد. اما همه چیز از جانب فیلمساز به این شخصیت تحمیل شده و همه ویژگی‌ها، خلأها و انگیزه‌های او به ادعا و دیالوگ تقلیل یافته‌اند.

یقینی که لارنس آن را دشمن ایمان می‌داند، نزد دیگران حاضر است؛ یقین ترومبلی به قدرت، یقین تددسکو به کلیسای قرون وسطایی و حتی یقین بلینی به تجدد و حمایت از حقوق دگرباش‌ها



شورای عالی انقلاب فرهنگی، انقلاب اسلامی را نجات داد

امید امرالله

امید امرالله با حضور در استودیوی پخش زنده برنامه در مسیر اندیشه رادیو گفت‌وگو با اشاره به اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی در انقلاب اسلامی متولد شده و قبل از سال ۵۷ شاهد چنین نهادی با این شرح وظایف نبودیم، افزود: انقلاب اسلامی ایران ایدئولوژیک بود و شاید کمتر بتوان آن را انقلابی سیاسی برشمرد که با نارضایتی مردم در دوره پهلوی در خصوص عدم رعایت شئون فرهنگی و تعارضات سلیقه‌ای از سوی حاکمیت پهلوی با ارزش‌های مردم، شکل گرفت.

عمده اعتراضات مردم و امام خمینی به‌عنوان رهبر این انقلاب نسبت به شاه و حاکمیت ناظر بر این بود که حکومت قبلی نه تنها در راستای ارزش‌ها قدم بر نمی‌داشت، بلکه خلاف آن حرکت می‌کرد.

وی با اشاره به اینکه بسیاری سردمداران از میان بهائیان بودند و دین اسلام و تشیع را نیز زیر سؤال می‌بردند، افزود: انقلاب و نارضایتی مردم عمداً در حوزه مسائل فرهنگی و دغدغه امام هم حاکمیت اسلام در کشورمان بود.

این حاکمیت بیش از رنگ و بوی سیاسی، شکلی ایدئولوژیک داشت؛ بنابراین پس از انقلاب نهادهای فرهنگی کشور از جمله دانشگاه و مدارس و کتب درسی مورد بازنگری قرار گرفتند.

امراهه ادامه داد: معلمان، کتاب‌ها، فضای آموزش و پرورش و آموزش عالی مورد بازنگری قرار گرفت و در نهایت امام در ۱۹ آذر ۶۳ دستور تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی را دادند که هدف تشکیل این شورا، جامعیتی حول محور انقلاب بود.

رهبری نیز تأکید کردند یکی از بهترین تصمیمات امام صدور فرمان تشکیل شورا بود و امروز با گذشته ۴۰ سال از تشکیل این شورا، قدم‌های مثبت و استواری را برداشته است.

وی در بخشی دیگر از مصاحبه با رادیو گفت‌وگو خاطر نشان کرد: نهادهای فرهنگی با تولد خود، ابتدا به‌سان کودکی نونهال و خردسال هستند و به تدریج شناخت خود را از محیط تکمیل کرده و قدرت و تثبیت حاکمیت به آن‌ها کمک می‌کند.

رفته‌رفته پخته شده و به حیات خود ادامه می‌دهند و شرط اصلی بررسی عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی هم توجه به شروع آن از سنین نوپایی است.

امراهه در عین حال قیاس انسان با سیستم را نادرست خواند و تصریح کرد: در این ۴ دهه تصفیه دانشگاه‌ها از وجود اساتید و هیئات علمی که با تفکر حکومت پهلوی کار می‌کردند، از جمله اقدامات مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده است.

البته برخی دانشجویان نیز پشت دست حکومت پهلوی سینه زده و پیش می‌رفتند. طبیعتاً مدیریت فضای فرهنگی کشور با این شکل امکان‌پذیر نبود.

وی ادامه داد: گام مهم و مؤثر شورای عالی انقلاب فرهنگی ناظر بر این بود که دانشگاه‌ها و مدارس و کتب درسی دانشگاهی و آموزش عالی را در رشته‌های علوم انسانی تصفیه کند و معتقدم تدبیر امام به جا بود که انقلاب را نجات داد.

با تثبیت حکومت، زمان آن رسیده بود که اوضاع محتوایی نظام آموزش عالی کشور را ترمیم کنیم. در آن زمان تعریف فرهنگ به‌سان امروز مطرح نبود و شورا توان عملکرد گسترده‌ای را نداشت و لذا تا سال‌های دهه ۷۰، روی جذب اعضای هیئت علمی و رؤسای دانشگاه‌ها و سیاست‌های کلان نظام آموزش و فرهنگ اقدام شد.

فرهنگ در سیاست داخلی و خارجی مظلوم است

حمزه امیری



حمزه امیری که در برنامه در مسیر اندیشه رادیو گفت‌وگو حضور داشت، فرهنگ را زیر بنای تمدن خواند و تصریح کرد: ظواهر زندگی، مظاهر تمدن هستند و به عبارتی آن چه می‌خوریم، می‌پوشیم و سبکی که بر اساس آن زندگی می‌کنیم و نیز ساختار جامعه، دیگر مظاهر تمدن می‌باشند که ناظر بر یک فرهنگ به وجود آمده‌اند.

باید به پویایی و پیچیدگی فرهنگ توجه کنیم؛ چون کاملاً زنده است و مرتب نو به نو می‌شود و این می‌طلبد نهادی که قرار است در این حوزه مداخله کند، با همین مقتضیات به‌روز شده و خود را چابک و چالاک نگه دارد.

وی افزود: چنین نهادی باید بسیاری ویژگی‌های فرهنگی را در خود داشته باشد؛ ضمن اینکه نقد ما به اشخاص و دولت‌ها باز نمی‌گردد؛ چون درباره یک نهاد ۴۰ ساله به‌عنوان شورای عالی انقلاب فرهنگی سخن می‌گوییم.

امیری با بیان اینکه اهدافی که شورا برای آن تشکیل شده بود، تا امروز به‌خوبی محقق نشده است، در بخشی دیگر از سخنان خود در رادیو گفت‌وگو خاطر نشان کرد: سهم فرهنگ از بخش عمومی کشور شاخص خوبی است که می‌توان بر اساس آن اهداف شورا و تحقق آن را بررسی کرد.

وی به بودجه‌های سالانه، قوانین برنامه پنج‌ساله، ساختارها داخلی و خارجی و شئون مختلف حاکمیت چقدر است؛ ولی بر اساس مشاهدات، فرهنگ معمولاً در آخر این صف قرار می‌گیرد.

همواره طنز تلخی در تشکیل کمیسیون فرهنگی مجلس وجود دارد و معمولاً کسی برای عضویت در این کمیسیون حاضر نیست؛ خاصه در این دوره که با تأخیر قابل توجهی تشکیل شد و این یکی از مظلومیت‌های حوزه فرهنگ است.

امیری گفت: درباره چنین مسائلی باید از شورا مطالبه کرد تا سهم شورا در دوره‌ها و بخش‌های عمومی کشور مشخص شود. باید بدانیم چرا نماینده‌ها احساس نمی‌کنند باید مسئله فرهنگ را جدی بگیرند! آیا سهم بودجه فرهنگی کم است و اگر فرض کنیم نماینده‌ها نگاه محلی دارند، در این زمینه قدرت بازی نخواهند داشت و کمیسیون فرهنگی احساس می‌کند چندان مؤثر نیست؟

با نگاهی به لایحه بودجه جاری که در دست بررسی است، باز همین مسئله به‌سان گذشته وجود دارد. هر چند ممکن است تغییرات اندکی اتفاق افتاده باشد؛ ولی بخش فرهنگ و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی مظلومانه در کف جداول قرار می‌گیرد.

وی در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو خاطر نشان کرد: شاهد انقلاب و تحولی در این حوزه نیستیم؛ خاصه با اهمیتی که فرهنگ در انقلاب اسلامی ایران داشته و دارد؛ ولی جامعه احساس می‌کند این نقش الهام‌بخشی به دلیل تحولات، مخدوش می‌شود؛ چون سطح نگرانی اجتماعی قابل توجه است.

زیر ساختی بودن حوزه فرهنگ با مشاهدات ما قابل تناسب نیست و این یکی از رسالت‌هایی است که باید از شورا انتظار داشت.

دادگاه آمریکا درخواست تیک‌تاک برای توقف موقت ممنوعیتش را رد کرد



دادگاه تجدیدنظر آمریکا با درخواست تیک‌تاک برای لغو موقت ممنوعیتش مخالفت کرد و تیک‌تاک اکنون باید به‌سرعت درخواست خود را به دیوان عالی ایالات متحده ارائه کند؛ در غیر این صورت باید تا ۱۹ ژانویه (۳۰ دی) اپلیکیشن خود را یا به شرکتی آمریکایی بفروشد یا از ایالات متحده خارج شود.

تیک‌تاک و بایت‌دنس روز دوشنبه‌ی گذشته، درخواست اضطراری را به دادگاه تجدیدنظر ایالات متحده ناحیه‌ی کلمبیا ارائه داده بودند و خواستار زمان بیشتری برای ارائه‌ی استدلال‌های خود به دیوان عالی کشور بودند.

بایت‌دنس، شرکت مادر تیک‌تاک، هشدار داد که بدون اقدام دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی، تیک‌تاک که یکی از محبوب‌ترین پلتفرم‌های اجتماعی در ایالات متحده با بیش از ۱۷۰ میلیون کاربر ماهانه‌ی داخلی محسوب می‌شود، تعطیل خواهد شد.

به‌گزارش رویترز، دادگاه تجدیدنظر روز جمعه درخواست تیک‌تاک را رد کرد و گفت که تیک‌تاک و بایت‌دنس نتوانسته‌اند دادگاه را قانع کنند که ممنوعیت را به‌طور موقت لغو کند. تیک‌تاک و بایت‌دنس استدلال می‌کنند که مطابق یکی از قوانین ایالات متحده، تا وقتی که پرونده در دادگاه عالی در حال بررسی باشد، حکم اجرای ممنوعیت این پلتفرم موقتاً باید لغو شود.

قانون ممنوعیت تیک‌تاک به دولت ایالات متحده اختیارات گسترده‌ای را برای ممنوع کردن سایر اپلیکیشن‌های خارجی‌ای که نگرانی‌هایی در مورد جمع‌آوری داده‌های آمریکایی‌ها ایجاد کنند، می‌دهد. وزارت دادگستری ایالات

متحده استدلال می‌کند که کنترل مداوم چینی بر اپلیکیشن تیک‌تاک تهدیدی مداوم برای امنیت ملی آمریکا است. تیک‌تاک می‌گوید وزارت دادگستری آمریکا روابط این اپلیکیشن با چین را نادرست توصیف می‌کند.

قانون ممنوعیت تیک‌تاک، در صورتی که دادگاه عالی آن را لغو نکند، ابتدا سرنوشت تیک‌تاک را به دست رئیس‌جمهور دموکرات، یعنی جو بایدن، می‌سپارد که تصمیم بگیرد تا ۹۰ روز مهلت فروش را تمدید کند یا خیر؛ و سپس در دست رئیس‌جمهور بعدی جمهوری خواه، یعنی دونالد ترامپ، که در ۲۰ ژانویه (یکم بهمن) روی کار می‌آید.

ترامپ که در دوره‌ی اول خود در سال ۲۰۲۰ موافق ممنوعیت تیک‌تاک بود، قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری سال جاری گفته بود که ممنوعیت تیک‌تاک را نخواهد پذیرفت. همچنین روز جمعه، مقامات کمیته‌ی مجلس نمایندگان ایالات متحده به مدیران اجرایی گوگل و اپل گفته بودند که باید آمادگی حذف تیک‌تاک از فروشگاه‌های اپلیکیشن ایالات متحده در ۱۹ ژانویه باشند.



ضعف لایحه برنامه هفتم در حوزه فرهنگ

ابراهیم معظمی‌گودرزی

ابراهیم معظمی‌گودرزی در ارتباط زنده تلفنی با برنامه «در مسیر اندیشه» با اشاره به دو چالش اساسی در زمینه فرهنگ پس از انقلاب که توسط شورا بررسی و مدیریت شده است، گفت: تعدد دستگاه‌ها در حوزه فرهنگی موجب موازی‌کاری می‌شد و برخی امور همپوشانی داشته و تکراری بود.

شورا ضمن تنظیم‌گری از طریق تدوین اسناد بالادستی مثل نقشه مهندسی فرهنگی کشور و ستاد مهندسی فرهنگی کشور، سند حوزه موسیقی و صنایع دستی و... را تشکیل داد و با تعیین وظایف و مأموریت‌های هر نهاد، آن‌ها را به شکلی متمرکز و هدایت‌گر، راهبری نمود.

وی افزود: بعد از انقلاب سندی نداشتیم که به‌عنوان نقشه راه حوزه فرهنگ مورداستفاده قرار گیرد و شورا باید با تنظیم نقشه مهندسی فرهنگی کشور، دو مقوله یعنی تخصص‌گرایی و هدایتگری بخش فرهنگ را به‌صورت رسمی و مدون، چارچوب‌سازی می‌کرد.

به تعبیر رهبری با مهندسی فرهنگ که حاکمیت اهداف فرهنگ را تعریف می‌کند، مشخص شد که فرهنگ در سه حوزه مهم فرهنگ ملی، عمومی و علمی دنبال شده است و با رویکرد قرارگاهی شورا آن‌ها را در سایر استان‌ها نیز اجرا کردیم.

معظمی‌گودرزی با بیان اینکه موارد فوق هر یک در استان‌ها به شکلی بومی دنبال می‌شود، خاطر نشان کرد: استان‌ها فاقد سند توسعه فرهنگی بودند و این کار با دیدگاه و سلاقی دستگاه‌ها اتفاق می‌افتاد.

از این‌رو نقشه راه خوبی در استان‌ها شکل گرفت و امروز مدعی هستیم هر استان باتوجه به اولویت‌ها و مسائل خود، امور را مدیریت می‌کنند.

ذیل این مسائل اقدامات مهمی صورت گرفت و از طریق مصوبات و راهبردها، مسائل فرهنگی را به شکلی تعریف شده در دستگاه‌ها پیش بردیم.

وی در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو افزود: فرهنگ به‌عنوان یک پیشران پویا و فعال باید نقشی پررنگ‌تری بازی کند. از این‌رو تا قبل از دهه ۹۰ صرفاً ستاد هماهنگی نقشه جامع علمی کشور را در اختیار داشتیم و غالباً راهبردهای شورا در حوزه علمی بود.

از دهه ۹۰ به این سو با تغییر مدیریت، ستاد هماهنگی نقشه مهندسی فرهنگی کشور شکل گرفت و با ریاست معاون اول رئیس‌جمهور، نظام راهبری و هماهنگی میان نهادهای فرهنگی تولی‌گری شد و ظرفیت نهادهای فرهنگی برای توسعه فرهنگ در مدیریت کشور صورت گرفت.

به گفته معظمی‌گودرزی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، دو سال قبل از تصویب برنامه هفتم، اقدام به تشکیل کمیته تلفیق برنامه کرد و سازمان برنامه‌بودجه، سازمان تبلیغات اسلامی و... را نیز دخیل نمود.

لذا طی یک برنامه فشرده و ۷ ماهه تمام دستگاه‌های فرهنگی به این سمت رفتند و احکام خوبی را طراحی کردند تا در برنامه هفتم اثربخش باشد؛ ولی متأسفانه نگاه و چشم‌انداز مشترک برای پیشران بودن فرهنگ در مسئولان رده‌بالا و خاصه در مدیریت دستگاه‌های اجرایی و نهادهای حاکمیتی دیده نمی‌شود.

از این‌رو احکام پیشنهادی دبیرخانه شورا در لایحه برنامه هفتم به شکلی ضعیف در حوزه فرهنگ صورت گرفته است.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: | طه اهووی | گرافیست و صفحه آرا | سارا کولیوند
روابط عمومی: | جهانگیر توسلی | ناظر هنری: | محمدرضا مهدیانی
تلفن: | ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸ | ۰۹۹۳۱۳۲۳۳۴ | آگهی‌ها: | ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸
نشانی: | بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: | صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



نقش تنانگی زن در کمدی ایرانی

نقش زنان در کمدی‌های ایرانی، مولفه‌ای است که طی سالیان متوالی تغییراتی داشته است. این تغییرات به فراخور دال مرکزی فیلم‌ها و نیز تاریخ سینمای ایران، که خود متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی بوده، رخ داده است. با اینکه نقش زن در به کارگیری از بدن همواره مشمول محدودیت‌هایی بوده، اما این به کارگیری در گذر تاریخ سینمای ایران مرزهای متفاوتی را تعریف کرده است.

خدای تازه بیابار

«مجمع کاردینال‌ها» سوزه جذابی دارد. پاپ می‌میرد و کاردینال‌ها در واتیکان برای انتخاب پاپ جدید گردهم می‌آیند. این موقعیت دراماتیک به تماشاگر نوید می‌دهد که می‌تواند از روابط، مناسبات و مراسم کوریا (ساختار حکومتی واتیکان) سر در بیابد و گروه‌های مختلف عالمان دینی کاتولیک را بشناسد.



اگر همسر تو طلاق دادی تا پایان زمان عده، در منزل خود نگاه دار و بیرون نکن شاید آشتی کردید...

(سوره طلاق، آیه ۱)

یکی حرف‌های شمسایی را بشنود

فریدون حسن

به آنجا، بله، حتی نتیجه جام جهانی هم مهم نیست، مهم این است که آقایان دور هم مسافرتی به اقصی نقاط دنیا داشته باشند.

وحید شمسایی درست می‌گوید؛ فوتسال ایران دیگر آقای مطلق فوتسال آسیا نیست، این را او خیلی خوب درک می‌کند، چون از نزدیک مشاهده کرده دیگران چگونه در حال پیشرفت هستند. شمسایی می‌داند برای کسب موفقیت حتی در قاره آسیا هم باید گذشته را فراموش کرد. باید یادمان برود که روزگاری هیچ تیمی مقابل ایران حاشیه امنیت نداشت، چون حالا آنها جلو آمده‌اند و ما به خیال اینکه هنوز آقای آسیا هستیم درجا زده‌ایم. البته باید توجه داشت آنچه گفته شد، دلیلی بر ضعف و ناتوانی فوتسال ایران و ستارگان قدرتمند آن نیست، اما این فوتسال قوی و پرستاره برای آقای دوباره بر آسیا و داشتن حرف در جهان باید برنامه‌ریزی داشته باشد. فوتسال ایران حتی همین حالا حرف‌های زیادی برای گفتن دارد، حتی همین حالا می‌تواند به راحتی قهرمان آسیا شود، اما وحید شمسایی درست می‌گوید اگر از پوست خود در نیاییم و با بزرگان فوتسال دنیا تنه‌به‌تنه نشویم، ضرر خواهیم کرد. وحید شمسایی درست می‌گوید، اما باید دید این حرف‌های درست در فدراسیون فوتسال خریدار دارد یا نه. آنچه مشخص است اینکه نباید زیاد امیدوار بود، چون آقایان فکر و ذکرشان جایی دیگر است. آنها مشکلات را می‌بینند، اما کاری نمی‌کنند. می‌بینند تیم امید معطل مانده، اما فقط نگاه می‌کنند، پس چرا باید توقع داشته باشیم که دغدغه‌های سرمربی تیم ملی فوتسال را ببینند و آنها را درک کنند. فدراسیون نشینان فقط منتظرند فوتسال نتیجه بگیرد و بعد برای گرفتن عکس یادگاری سرودست بشکنند، چگونگی آن هم اصلا مهم نیست.

وحید شمسایی می‌گوید: «نباید گفت سطح فوتسال ایران بالاتر از آسیاست. اگر بازیکنان ما با بازیکنان سطح اول دنیا تنه‌به‌تنه نشوند، ضرر می‌کنیم.» او می‌افزاید: «افغانستان و تاجیکستان رشد کرده‌اند و این را در جام جهانی دیدیم. اوکراین سوم و فرانسه هم چهارم شدند. مراکش هم نیازی به توضیح ندارد.»

سرمربی تیم ملی فوتسال دغدغه‌هایش را به زبان آورده است. او نگرانی‌هایش را اینگونه فریاد زده، اما سوال مهم اینجاست که آیا برای فدراسیون فوتسال چیزی به نام تیم ملی فوتسال مهم است یا نه؟! پاسخ را می‌توان از نوع نگاه مسئولان فدراسیون و برنامه‌ریزی‌های آنان به‌طور مشخص پیدا کرد؛ پاسخ منفی است. همین چند روز قبل بود که فدراسیون فوتسال بعد از برگزاری نشست تخصصی با وزیر ورزش برای بازی‌های آسیایی ناگویا و المپیک بلافاصله ستاد بازی‌های جام جهانی را تشکیل داد! اقدامی که اگر نگوییم دهن کجی به تمام برنامه‌های ورزش ایران برای حضور قدرتمندان در ناگویا و المپیک نبود، حداقل از بی‌خیالی و اهمیت نداشتن این دو رویداد بزرگ ورزش آسیا و جهان برای فدراسیون فوتسال حکایت دارد. حالا این بی‌خیالی در خصوص تیم امید ایران را بگذارید کنار دغدغه‌های وحید شمسایی، سرمربی تیم ملی فوتسال تا متوجه وخامت اوضاع شوید. واقعیت این است که در حال حاضر تنها چیزی که برای فدراسیون فوتسال مهم است، جام جهانی است و بقیه برنامه‌ها و تیم‌ها اصلا اهمیتی ندارند. البته موفقیت‌های این تیم‌ها از جمله تیم‌های رده پایه، تیم‌های بانوان، تیم امید و فوتسال فدراسیون فوتسال خیلی راحت به نام خود می‌زند، اما همه می‌دانیم که وقتی پای توجه در میان باشد این تیم‌ها کوچک‌ترین اهمیتی برای فدراسیون ندارند، چرا؟ چون تنها و تنها جام جهانی مهم است و مسافرت آقایان

با VAR، دیگر فوتبال در ایران ۹۰ دقیقه نیست!

طرفداران فوتبال شاهد هستند که کمک‌داور ویدیویی در اروپا صحنه‌های مشکوک را خیلی سریع‌تر از لیگ ایران بررسی می‌کند و بازی‌ها وقفه‌های طولانی ندارند.

شب گذشته و در حین برگزاری بازی نساجی و خیبر در ورزشگاه شهید وطنی، تیم داوری مجبور شد ۳ صحنه را توسط VAR مورد بازبینی قرار دهد که علاوه بر تاثیرگذاری روی نتیجه، این دیدار را با وقفه‌های طولانی مواجه کرد و عملاً زمان برگزاری بازی بیش از ۲ ساعت به طول انجامید.

اتفاقات رخ داده در این مسابقه این موضوع را بیش از پیش گوشزد کرد که VAR در ایران فاصله زیادی با استانداردهای جهانی دارد و دیدار نساجی و خیبر آخرین رقابتی نخواهد بود که با حاشیه‌های این چنینی روبه‌رو می‌شود.

به نوعی می‌توانیم بگوییم که فوتبال ایران با تمام کم و کاستی‌هایی که روبه‌رو است، با یک بلای جدید مواجه شده است به نام VAR! در واقع با کمک داور ویدیویی دیگر در ایران فوتبال ۹۰ دقیقه نیست! حال این مشکلات بابت تجهیزات است یا مواردی مانند آموزش داوران، موضوعی است که باید مورد بررسی قرار گیرد.



ربات نسل ششمی رکوردشکن شد

ربات انسان‌نمای CUE۶، ساخته شرکت تویوتا، موفق شد توپ بسکتبال را از فاصله ۲۴.۵۵ متری با دقت درون سبد بیندازد و بدین ترتیب رکورد جدیدی در کتاب گینس ثبت کند. این دستاورد در سپتامبر ۲۰۲۴ در شهر ناگاکونه، ژاپن، به وقوع پیوست.

این ربات با بهره‌گیری از هوش مصنوعی، زاویه و نیروی مناسب برای پرتاب را محاسبه کرده و با استفاده از موتورها، حرکت پرتاب را با دقت بالا تکرار می‌کند. این ربات، نسل ششم از سری ربات‌های CUE است که توسعه آن‌ها از سال ۲۰۱۷ توسط گروهی از کارمندان تویوتا آغاز شد.

۳ مدال جهانی جوانان در منامه



کرد. نواب نصیرشلال با اشاره به تلاش زیاد عالی‌پور و معینی اظهار داشت: «علی عالی‌پور و علیرضا معینی هر دو طی یک سال و نیم گذشته شبانه‌روز زحمت کشیدند و روزهای خیلی سختی را گذراندند. آنها واقعا از همه چیزشان گذشتند و تا حدود زیادی توانستند آن عقب‌ماندگی‌های فنی را جبران کنند. دو نماینده ما در روز مسابقه توانستند بین ۸۰ تا ۹۰ درصد توانایی‌هایشان را به نمایش بگذارند. همانطور که می‌دانید، اینها نفرت کم‌سن و سال و کم‌تجربه‌ای هستند و هر دوی آنها اولین حضورشان در مسابقات جهانی بزرگسالان را تجربه می‌کردند. معینی دو سال و نیم از صحنه رقابت‌های بین‌المللی دور بود و مسابقه‌ای نداشته بود. عالی‌پور هم فکر می‌کنم در این مدت فقط یک تجربه آسیایی داشت. کسانی که تجربه حضور در مسابقات جهانی را دارند خوب می‌دانند حضور روی تخته جهانی چه شرایطی دارد و چه فشارهای روانی را به ورزشکار تحمیل می‌کند. با این حال خیلی خوشحالی‌م که هر دو نماینده ما توانستند به مدال دست پیدا کنند و یک رقابت خوب را از خود به نمایش بگذارند. این دو ورزشکار در میانه‌های راهی هستند که از یک سال و نیم گذشته آن را شروع کرده‌اند و به لطف جامعه ورزش و جامعه ورزش‌پرنداری با حمایت‌هایی که از این قهرمانان می‌شود، ان‌شاءالله این روند ادامه پیدا کند. این نفرت سرمایه‌هایی هستند که به سختی جمع شده‌اند و به سختی دارند هدایت می‌شوند. بچه‌ها در شرایط تمرینی بهتر از روز مسابقه بودند، اما مثلی داریم در ورزش‌پرنداری که می‌گوید هزار روز تمرین، یک روز مسابقه نمی‌شود. همیشه گفته‌ام این تیم نیاز به زمان دارد، نه فقط برای پیدا کردن ورزشکار یا افزایش رکورد و تثبیت رکوردها، به

مصداقیت مانع رکوردزنی

علیرضا معینی، نایب‌قهرمان جهان مصداقیت را مانع رکورد زدنش در جهانی عنوان کرد: «متأسفانه یک آسیب‌دیدگی جزئی داشتیم که در یک‌ضرب اذیتم کرد و اجازه نداد در حرکت‌های دوم و سوم موفق باشم. بارها در تمرینات وزنه‌های سنگین‌تر از ۱۸۰ کیلوگرم را زده بودم و از لحاظ ذهنی خیلی آماده بودم و حتی می‌خواستیم رکورد یک‌ضرب جهان را جابه‌جا کنیم، اما در یک ماه اخیر آسیب‌دیدگی‌ام باعث شد کمی از هدفم فاصله بگیرم. اردوهای باکیفیتی برگزار شد. در این چند سالی که عضو تیم ملی هستم و به اردوهای تیم ملی دعوت می‌شوم هرگز اردوهایی با این کیفیت نداشتیم و این جای قدردانی دارد.»

استرس به‌خاطر سرمربی

عالی‌پور نفر سوم جهان، هدر نرفتن تلاش‌های سرمربی را عامل استرسش اعلام کرد: «وزنم پایین آمده بود، به همین دلیل بدنم شل شد و وزنه‌ها خیلی سخت بالا می‌آمدند و چند وزنه را از دست دادم و نتوانستم طلا بگیرم، درحالی که می‌توانستم به مدال طلا برسم. در حرکت یک‌ضرب حتی در تمرینات تا وزنه ۱۷۷ کیلوگرم را هم زده بودم. در مهار وزنه ۲۱۴ کیلوگرم اگر استرس داشتم به‌خاطر نصیرشلال بود که در این موقعیت خیلی زحمت کشیده بود. می‌خواستیم دو مدال بگیرم تا زحمات او هدر نرود. در مسابقات بعدی طلاها را خودم جمع می‌کنم.»

درخشش جوان‌ها

سرمربی تیم‌ملی وزنه‌پرنداری از عملکرد دو مدال‌آور ایران ابراز رضایت

شیوانوروزی

کسب سه مدال جهانی جان تازه‌ای به وزنه‌پرنداری ایران داد. درحالی که رقابت‌های وزنه‌پرنداری قهرمانی جهان در منامه بحرین ادامه دارد، علیرضا معینی و علی عالی‌پور سکوی جهانی را تجربه کردند. ملی‌پوشان جوان کشورمان اگرچه برای اولین بار در جهانی روی تخته رفتند، ولی با ثبت رکوردهای خوب و عملکرد درخشان، یک نقره و دو برنز را تصاحب کردند تا ایران وارد جدول مدالی رقابت‌ها شود.

موفق در ۹۶ کیلو

معینی با اینکه در دوزرب و مجموع نتوانست موفقیتی کسب کند، ولی با مهار وزنه ۱۷۶ کیلوگرمی نایب‌قهرمان یک‌ضرب شد. ملی‌پوش ۲۲ ساله ایران در حالی به مدال نقره جهان رسید که در همین وزن عالی‌پور، دو برنز دوزرب و مجموع را به گردن آویخت. پولادمراد ۲۰ ساله نیز در یک‌ضرب رکورد ۱۷۳ کیلو، در دوزرب رکورد ۲۱۴ کیلو و در مجموع رکورد ۳۸۷ کیلو را ثبت کرد.

ناکامی جوادی و باغی

ملی‌پوش المپیک نتوانست از عنوان قهرمانی سال گذشته‌اش دفاع کند. مصطفی جوادی در مسابقات عربستان ۲۰۲۳ طلایی شده بود، ولی در بحرین ۲۰۲۴ حتی موفق به ثبت رکورد مجموع هم نشد. جوادی در یک‌ضرب دسته ۸۹ کیلوگرم رکورد ۱۶۲ کیلوگرم را ثبت کرد و به عنوان هشتمی رسید. افت عملکرد این ملی‌پوش کاملاً واضح بود، چراکه او نسبت به المپیک پاریس ۶ کیلوگرم و نسبت به جهانی ۲۰۲۳، ۷ کیلوگرم کمتر وزنه زد. پیش از او نیز رضا باغی اولین وزنه‌پرندارمان در این دوره در ۸۱ کیلوگرم با حدنصاب مجموع ۳۳۳ کیلوگرم چهاردهم جهان شده بود.

این خاطر که این نسل نیاز دارد با حضور در مسابقات کسب تجربه کند و پخته‌تر شود.»

دهمی رزاقی

تنها وزنه‌پرندار زن کشورمان در بحرین دهم شد. الهه رزاقی، ملی‌پوش دسته ۷۶ کیلوگرم در حالی روی تخته رفت که تنها دو حرکت صحیح داشت! رزاقی، رکوردهای ۹۵ کیلوگرم (یک‌ضرب)، ۱۲۵ کیلوگرم (دوزرب) و ۲۲۰ کیلوگرم (مجموع) را ثبت کرد تا در رده دهم این دسته قرار بگیرد.